

رئوس مطالب مطالعه-شفاف سازی

ارمیا  
و  
مراثی ارمیا

© 2020 Living Stream Ministry

All rights reserved. No part of this work may be reproduced or transmitted in any form or by any means—graphic, electronic, or mechanical, including photocopying, recording, or information storage and retrieval systems—without written permission from the publisher.

First Edition, June 2020.

Translated from English  
Original Title: *Crystallization-study Outlines*  
*Jeremiah and Lamentations*  
(Farsi Translation)

*Printed in the United States of America*

## رئوس مطالب مطالعه تفصیلی ارمیا و مراثی

### عبارت‌های کلیدی

یهوه خدای رئوف است، و ارمیا در رئوف بودنش مطلقاً با خدا یک بود؛ پس خدا می‌توانست از ارمیای نبی، یک پیروزمند، استفاده کند تا حتی در سوگواری خود، خدا را ابراز کرده، برایش سخن بگوید، و او را نمایندگی کند.

ارمیا، کتابی پر از سخن درباره گناه اسرائیل و غضب خدا و تأدیب و تنبیه توسط او، نشان می‌دهد که قصد خدا در اقتصادش این است که سرچشمه، منشأ آب حیات [زنده]، باشد تا خودش را در درون مردم برگزیده‌اش برای رضایت و مسرت آنها توزیع کند، با هدف تولید کلیسا، همتای خدا، به عنوان افزایش و توسعه خدا، تا به جهت ابراز او، پُری خدا باشد.

خدا جاودان و دگرگون نشدنی است، و تحت هیچ محیط و شرایطی تغییر نمی‌کند، و تخت خدا، تخت دولت جاودان و تغییرناپذیر اوست؛ ارمیا در سخن گفتنش درباره وجود و تخت جاودان خدا، از احساسات انسانی خود خارج شد، شخص خدا و تخت خدا را لمس کرد، و در الوهیت خدا وارد شد.

خدا به عنوان کوزه‌گر ما، ما را حاکمانه خلق کرد تا ظروف و محفظه او بوده، بر طبق پیش‌گزینی او، حاوی او باشیم؛ مقصود خدا از خلقت انسان این بود که انسان را ظرف خود نماید، ظرف سفالین خود، تا حاوی مسیح بوده و سرشار از مسیح به عنوان حیات برای بنای بدن مسیح چون ظرف بزرگ و جمعی خدا به جهت ابراز او، باشد.

به عنوان آن شبان موافق دل خدا، مسیح، شبان اعظم گوسفندان، به شبانی خود ادامه می‌دهد توسط همبستگی خدمتگزاری رسولان با خدمتگزاری آسمانی خود برای شبانی گله خدا؛ ما امروزه در بازیابی خداوند، باید دریابیم که آن نوع شبانی‌ای که بدن مسیح را بنا می‌سازد، یک شبانی متقابل است، و لازم است ما یکدیگر را بر طبق خدا شبانی کرده، به طور شامل تمام و ملایم از گله مراقبت کنیم.

ما برای یک بودن با خدا، به مسیح به عنوان شاخه داوود نیاز داریم تا بازخرید و عادل شمرده شدن ما باشد؛ این خدای سه‌یکتا را به درون ما می‌آورد تا حیات، قانون درونی حیات، ظرفیت و همه چیز برای ما باشد تا خودش را به درون وجودمان به جهت اجرای اقتصادش توزیع کند؛ این عهد جدید است، که ما در آن می‌توانیم خدا را شناخته، زیست کنیم، و تبدیل به خدا، در حیات و ذات امانه در هستی خدا، شویم، تا بتوانیم به عنوان اورشلیم نو ابراز جمعی او شویم.

## پیام اول

### ارمیا، نبی رؤف خدای رؤف

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۱: ۱، ۴-۸، ۱۰، ۱۸-۱۹؛ ۹: ۱، ۱۰؛ ۱۳: ۱۷

۱. ارمیا یک کاهن متولد شد، اما توسط خدا خوانده شد تا نه تنها برای قوم اسرائیل بلکه برای همه امتها نیز یک نبی باشد؛ بنابراین، او یک کاهن-نبی بود - ارمیا ۱: ۱، ۴-۸.
۲. یهوه، ارمیا را بر قومها و ممالک مقرر کرد تا از ریشه بَرکند و منهدم سازد، تا هلاک کند و سرنگون سازد، و بنا نماید و غرس کند - آ. ۱۰:

آ. ریشه کن، منهدم، و هلاک کردن، همان سرنگون کردن توسط یهوه است، در حالی که بنا و غرس نمودن، همان بالابردن توسط یهوه است.

ب. این مطابقت دارد با هر دو معنای نام ارمیا-«یهوه بالا می برد» و «یهوه سرنگون می کند».

۳. یهوه، ارمیا را یک شهر حصاردار، یک ستون آهنین، و حصارهای برنجین بر ضد تمامی آن سرزمین، پادشاهان یهودا، صاحب منصبانش، کاهنانش، و مردم آن سرزمین ساخت؛ آنها با او جنگیدند اما بر او پیروز نشدند - آ. ۱۸-۱۹:

آ. بر روی زمین همیشه بین خدا و کسانی که علیه او هستند و بر ضد او می جنگند، نبردی برپاست - افسسیان ۶: ۱۲.

ب. خدا نه خود مستقیماً بلکه از طریق خادمانش که توسط او فرستاده شده اند، می جنگند - اول تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۶: ۱۲؛ دوم تیموتائوس ۴: ۷.

پ. خدا ارتش خود - جوانی به نام ارمیا - را فرستاد تا با کسانی که بر ضد او بودند، بجنگد:

  ۱. ارمیا توسط خدا به حدی مجهز شده بود که به شهری حصاردار و ستونی آهنین و حصارهای برنجین تبدیل شد - ارمیا ۱: ۱۸.
  ۲. کسانی که بر ضد ارمیا - ارتش یک نفره یهوه - جنگیدند، در واقع بر ضد یهوه می جنگیدند - آ. ۱۹.
  ۳. هیچ کس نمی توانست او را شکست دهد چون یهوه با او بود - آ. ۱۹ ب.

۴. ارمیا یک پیروزمند بود که برای خدا سخن می گفت - آ. ۹-۱۰؛ ۲: ۱-۲:

آ. در عصر نمادها، پیروزمندان، انبیا بودند؛ همه انبیای راستین، پیروزمند بودند.

ب. وقتی اکثر مردم خدا درمانده شده بودند، به کسانی نیاز بود که برپاخیزند تا پیروزمندان خدا باشند و شهادتی را که توسط خدا برقرار شده بود، حفظ کنند.

پ. انبیا ابتدا وحی کلام خدا را نگاه می داشتند، و بر اساس آن وحی، تا حدی اقتدار خدا را بکار می بردند، همان گونه که در داوود پادشاه و ناتان نبی دیده می شود - دوم سموئیل ۷: ۱-۱۷؛ ۱۲: ۱-۱۵.

ت. پیروزمندان در مکاشفه باب ۲ و ۳، تحقق نماد انبیا هستند.

ث. ارمیا، به عنوان یک پیروزمند، یک شهادت مخالف [ضد-شهادت] بود:

  ۱. فرزندان اسرائیل درمانده شده بودند، و ارمیا توسط خدا خوانده شد تا یک شهادت مخالف باشد - ارمیا ۲۷: ۱-۱۵.
  ۲. مردم خدا تشخیص ندادند که در برابر خدا عمیقاً در گناه بودند و خدا از پیش مقدر کرده بود که از بابل برای تنبیه آنها استفاده خواهد کرد، و موجب خواهد شد که آنها به اسارت بابل درآیند - ۱۵: ۱۲-۱۴.
  ۳. چون اسرائیل در یک چنین وضعیت سردرگمی فرو افتاده بود، ارمیا، یک پیروزمند، شهادتی مخالف بود، و سخنانی را که توسط یهوه به او داده می شد، بیان می کرد و بر خلاف انبیای دروغین بود - ۲۷: ۱۶-۲۸: ۱۷.

۵. مشخصه و جایگاه کتاب ارمیا رأفت خدا علاوه بر عدالت [صداقت] خداست - ۹: ۱۰-۱۱؛ ۲۳: ۵-۶؛ ۳۳: ۱۶.

- آ. خدای ما یک خدای رئوف است، سرشار از شفقت و دلسوزی، اما در عین حال او به طور مطلق عادل [صادق؛ صالح؛ پارسا] است - ۹: ۱۰-۱۱؛ ۲۳: ۶.
- ب. بر طبق کتاب ارمیا، عشق خدا ترکیبی از مراقبت مهرآمیز، شفقت، و دلسوزی اوست؛ حتی در هنگام تأدیب مردم برگزیده‌اش اسرائیل، او نسبت به آنها شفیق است - مراثی ۳: ۲۲-۲۳.
- پ. کلام در ارمیا ۹: ۱۰-۱۱، و ۱۷-۱۹، ابراز حس یهوه درباره رنجی که اسرائیل به خاطر اصلاح توسط او متحمل شد، است:
۱. گرچه یهوه اسرائیل را تنبیه می‌کرد، اما او هنوز نسبت به آنها دلسوز بود.
  ۲. کلمات «ما» و «مان» [چشمانمان] در آیه ۱۸، نشان می‌دهد که یهوه خودش به رنج مردم پیوسته و در رنج آنها با آنها یک بود.
  ۳. یهوه خود در دلسوزی با مردمش می‌گریست.
۶. کتاب ارمیا، یک خودزیستنامه نیز هست که در آن ارمیا از وضعیت خود، شخص خود، و احساسش که گویای قلب لطیف اوست، به ما می‌گوید:
- آ. خدا، لطیف، بامحبت، شفیق، و عادل است، و ارمیا، یک جوان محجوب، توسط خدا برپاخیزانده شد که دهان او باشد تا برای او سخن بگوید و او را ابراز کند - ۳: ۶-۱۱؛ ۴: ۳۱-۳۲؛ ۲۶-۲۷؛ ۳۳: ۱-۲.
- ب. یهوه، خدای رئوف است، و در رئوف بودن، ارمیا به طور مطلق با خدا یک بود؛ پس خدا می‌توانست از ارمیای نبی استفاده کند تا او را ابراز کرده، برای او سخن گوید، و نمایند او باشد - ۲: ۱-۳؛ ۴: ۱۹؛ ۹: ۱، ۱۰.
- پ. یهوه وارد شد تا پرستندگان ریاکار خود را اصلاح کند، و ارمیا نسبت به اصلاح توسط یهوه واکنش نشان داد؛ واکنش این نبی بسیار مهرآمیز، توأم با دلسوزی و شفقت بود - ۸: ۱۸-۱۹، ۲۱-۲۲؛ ۹: ۱-۲؛ ۱۰: ۱۹-۲۵.
- ت. ارمیا از جانب خدا سوگواری می‌کرد؛ سوگ او، سوگ خدا را ابراز می‌نمود - ۴: ۱۹؛ ۹: ۱؛ ۱۳: ۱۷؛ ۱۰: ۱۰.
۱. ارمیا در سوگواری خود، خدا را نمایندگی می‌کرد - ۹: ۱۰.
  ۲. می‌توان گفت که خدا در سوگواری ارمیا سوگواری می‌کرد، چون ارمیا در سوگواری خود با خدا یک بود - ۱۳: ۱۷.
- ث. چون ارمیا اغلب می‌گریست، حتی شیون می‌کرد، نبی گریان خوانده می‌شود - مراثی ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۱؛ ۳: ۴۸؛ ۱. گرچه خدا به خاطر مردم خود غمگین و آزرده بود، او می‌باید کسی را بر روی زمین می‌یافت که این احساسات را داشته باشد.
۲. وقتی روح او بر روی آن شخص خاص، ارمیا، آمد، و احساسات خود را در روح ارمیا قرار داد، آنگاه آن نبی توانست که احساسات اندوهناک خدا را ابراز کند.
  ۳. وقتی کتاب ارمیا را می‌خوانیم، می‌توانیم حس کنیم که گرچه او می‌گریست، اما احساس او انضباط شده بود - ۴: ۱۹؛ ۹: ۱، ۱۰؛ ۱۳: ۱۷.
  ۴. احساس اندوهناک و گریان ارمیا انضباط و محدود شده بود، پس خدا می‌توانست نزد او بیاید و از او استفاده کند تا او آن احساسات اندوهناک در قلب خدا را ابراز کند.
۷. برای آنکه خدا از طریق ما به طور کامل ابراز شود، ما باید احساسات روحانی داشته باشیم، با یکدیگر رئوف باشیم، و بتوانیم خدا را با اشک خدمت کنیم - یعقوب ۵: ۱۱؛ خروج ۳۴: ۶؛ مزامیر ۱۰: ۳؛ ۸: ۱.
- آ. یک شخص روحانی سرشار از احساسات است؛ هر چه بیشتر روحانی باشیم، احساسات غنی‌تری داریم - اول قرنطیان ۴: ۲۱؛ دوم قرنطیان ۶: ۱۱؛ ۷: ۳؛ ۱۰: ۱؛ ۱۲: ۱۵؛ ۱.
۱. ما به خداوند نیاز داریم که بر ما کار کند تا احساسات ما ملایم و لطیف باشد.
  ۲. هر وقت که خدا بر ما کار کند، ما را تأدیب کند، و به ما رسیدگی نماید، احساسات ما لطیف‌تر و حساس‌تر می‌شود؛ این عمیق‌ترین درس در شکستن انسان بیرونی ماست - ۴: ۱۶.
  - ب. در زندگی کلیسایی، ما باید با یکدیگر رئوف باشیم - افسسیان ۴: ۳۲.

- ۱/ ما نباید ایمانداران دیگر را قضاوت و محکوم کنیم، بلکه باید با آنها مهربان، رئوف، باشیم، آنها را ببخشیم همان گونه که خدا نیز در مسیح ما را بخشید - لوقا ۶: ۳۷؛ افسسیان ۴: ۳۲.
۲. هر چه بیشتر مسیح را به عنوان تأمین حیاتمان تجربه کنیم، قلب های ما ملایم تر می شود، و وقتی رئوف باشیم، دیگران را خواهیم بخشید.
- پ. پولس رسول، خداوند را با اشک خدمت کرد و مقدسین را با اشک هشدار می داد - اعمال ۲۰: ۱۹، ۳۱؛ فیلیپیان ۳: ۱۸:
۱. اگر ندانیم چطور گریه کنیم یا اشک بریزیم، خیلی روحانی نیستیم.
  ۲. وقتی در روح زندگی کنیم، و روان را به عنوان یک عضو به کار بگیریم، قادر خواهیم بود که خداوند را خدمت کرده و مقدسین را با اشک هشدار دهیم - اعمال ۲۰: ۱۹، ۳۱.
- ت. «با غم بسیار و دلی دردمند» پولس با «چشمائی اشکبار» به قرنئیان نوشت - دوم قرنئیان ۲: ۴:
۱. ابراز پولس لطیف و سرشار از نگرانی صمیمانه برای خدمتگزاری حیات بود - ۱۱: ۲۸؛ ۱۲: ۱۵.
  ۲. در دوم قرنئیان ۷، پولس یک نگرانی عمیق، لطیف و صمیمانه نسبت به قرنئیان داشت؛ سخن او بسیار تأثیرگذار بود - آ. ۲-۳.
  ۳. چون ابراز پولس ملایم و سرشار از نگرانی صمیمانه بود، قدرت و اثر داشت، و می توانست ایمانداران را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد.
- ث. وقتی، در زندگی کلیسایی، ما از وادی بکا (اشک ها) عبور می کنیم، خدا این درّه را یک چشمه می سازد؛ این چشمه، آن روح است - مزامیر ۸۴: ۶؛ یوحنا ۴: ۱۴؛ ۷: ۳۸-۳۹:
۱. ما هر چه بیشتر در شاهراه های صهیون اشک بریزیم (مزامیر ۸۴: ۵)، بیشتر روح را دریافت می کنیم، در حالی که اشک می ریزیم، از روح پر می شویم، و روح، چشمه ما می شود.
  ۲. اشک هایی که می ریزیم، اشک های ما هستند، اما از این اشک ها یک چشمه حاصل می شود، که باران بهاری، [یعنی] آن روح، به عنوان برکت می شود - زکریا ۱۰: ۱؛ غلاطیان ۳: ۱۴؛ افسسیان ۱: ۳.

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۲: ۱۳؛ ۱۷؛ ۹؛ ۱۳؛ ۲۳؛ ۲۳؛ ۵-۶؛ ۳۳؛ ۱۶؛ ۳۱؛ ۳۳-۳۴

۱. هسته اصلی کتاب ارمیا شامل سه مورد است - آنچه خدا از ما می خواهد، آنچه ما در وضع ساقط خود هستیم، و آنچه مسیح برای ما هست؛ برای دیدن این سه مورد، ما باید پوسته کتاب ارمیا را "بشکافیم" و به هسته اصلی درون آن، که همان تعلیم کامل از کل کتاب مقدس است، توجه کنیم.
۲. آنچه خدا از ما می خواهد به طور عمده در ارمیا ۲: ۱۳ ذکر شده است، که نشان می دهد که خدای ما آن سرچشمه آب حیات [آب های زنده] است:

آ. قصد خدا در اقتصادش این است که سرچشمه، منشأ آب حیات، باشد تا ما را برای مسرتان خرسند کند؛ او می خواهد ما او را به عنوان منشأ، همان سرچشمه وجودمان، بگیریم؛ تنها راه برای برگرفتن خدا به عنوان سرچشمه آب حیات این است که روز به روز از او بنوشیم - آ. ۱۳؛ اول قرن تیان ۱۲: ۱۳؛ رومیان ۱۱: ۳۶:

۱. این امر مستلزم این است که ما با مداومت نام خداوند را بخوانیم (با شکرگزاری، شادی، دعا و ستایش کردن) و با شادمانی از او به عنوان سرچشمه آب حیات، آب بکشیم - اشعیا ۱۲: ۳-۴؛ یوحنا ۴: ۱۰، ۱۴؛ رومیان ۱۰: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸؛ ۴: ۱۳.

۲. اشعیا ۱۲: ۳ نشان می دهد که راهی که ما خدا را به عنوان نجات خود دریافت می کنیم، کشیدن آب از چشمه های نجات است، یعنی او را نوشیدن - مزامیر ۳۶: ۸؛ یوحنا ۴: ۱۴؛ ۷: ۳۷؛ اول قرن تیان ۱۲: ۱۳؛ مکاشفه ۲۲: ۱۷؛ اول تواریخ ۱۶: ۸؛ مزامیر ۱۰۵: ۱؛ ۱۱۶: ۱-۴، ۱۲-۱۳، ۱۷:

(آ) خدای سه یکتا، برای اینکه نجات ما باشد، پروسه دید تا به عنوان آب زنده، آب حیات، تبدیل به روح حیات بخش شود؛ نجات عملی خدا، خود خدای سه یکتا به عنوان آب حیات است - اول قرن تیان ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ مکاشفه ۷: ۱۷؛ ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۱، ۱۷.

(ب) سرچشمه همان منشأ است، چشمه، آن جوشیدن یا نتیجه منشأ است، و نهر، آن جریان می باشد؛ عبارت "چشمه های نجات" دلالت دارد بر نجات که منشأ، یعنی سرچشمه است؛ خدا به عنوان نجات ما، سرچشمه است (اشعیا ۱۲: ۲)، مسیح چشمه های نجات است برای مسرت و تجربه ما (یوحنا ۴: ۱۴)، و آن روح، جریان نجات در درون ما می باشد (۷: ۳۸-۳۹).

(پ) برای مسرت بردن از نجات، ما باید پی ببریم که خداوند خودش نجات، قوت، و شعر ماست، و ما با خواندن نام او می توانیم با شادمانی از چشمه های نجات آب برکشیم - اشعیا ۱۲: ۲-۳.

(ت) راه کشیدن آب از چشمه های نجات الهی، شامل توبه کردن، خواندن [نام خداوند]، سرود خواندن، شکرگزاری، ستایش کردن و شناساندن اعمال نجات بخش خداست - اشعیا ۱۲: ۴-۶.

ب. وقتی که آب حیات در ما وارد می شود، در ما نفوذ کرده، از تمام وجودمان عبور می کند، و توسط ما جذب می گردد، که باعث می شود ما تغذیه، دگرگون و هم شکل شده، و جلال یابیم - اشعیا ۱۲: ۳؛ یوحنا ۴: ۱۰، ۱۴؛ رومیان ۱۲: ۲؛ ۸: ۲۹-۳۰.

پ. «آبی که من می دهم در او چشمه ای می شود که تا به حیات جاویدان جوشان است» - یوحنا ۴: ۱۴: ب. ۱. خدای سه یکتا در تثلیث الهی، در سه مرحله جریان دارد: پدر سرچشمه است، پسر چشمه هاست، و آن روح، نهر است.

۲. جریان-داشتن خدای سه یکتا «تا به حیات جاودان است»:

(آ) اورشلیم نو تمامیت حیات جاودان می باشد، و کلمه "تا به" به معنای "تبدیل شدن" است؛ از این رو، "تا به حیات جاودان" یعنی تبدیل شدن به تمامیت حیات جاودان، اورشلیم نو.

(ب) با نوشیدن از آب حیات، ما تبدیل به اورشلیم نو، یعنی تمامیت حیات جاودان و مقصد جریان خدای سه یکتا، می شویم.

ت. هدف خدا از سرچشمه آب حیات بودن، تولید کلیسا به عنوان افزایش خداست تا پُری او [خدا] برای ابرازش باشد؛ این خواسته قلبی و اراده نیکوی خدا در اقتصادش است - ارمیا ۲: ۱۳؛ مراثی ۳: ۲۲-۲۴؛ اول قرنطیان ۱: ۹؛ افسسیان ۱: ۵، ۹، ۲۲-۲۳.

ث. هیچ چیز غیر از خدا به عنوان سرچشمه حیات نمی تواند تشنگی ما را رفع کرده و ما را راضی کند؛ هیچ چیز غیر از توزیع خدا در وجود ما، نمی تواند ما را برای ابراز او تبدیل به افزایش او نماید - مکاشفه ۲۲: ۱، ۱۷.

ج. ما باید دریابیم که هرگاه مردم خدا کمبود روح حیات به عنوان آب حیات را دارند، دارای مشکل خواهند بود؛ وقتی مردم خدا وفور آن روح نجات دهنده به عنوان آب زنده را دارند، مشکلات در بین خودشان و با خدا، حل می شود - خروج ۱۷: ۱-۷؛ اعداد ۲۰: ۲-۱۳.

### ۳. جنبه‌ای دیگر از هسته اصلی کتاب ارمیا، افشاء آنچه ما در وضع ساقط خود هستیم است:

آ. «دل از همه چیز فریبنده‌تر است، / و بسیار بیمار؛ / کیست که آن را بشناسد؟» - ۱۷: ۹

۱. حتی این کلام درباره دل [قلب] فریبنده و بیمار انسان، به اقتصاد خدا با توزیع او مربوط است؛ با اینکه قلب انسان فاسد و فریبکار است و وضعیتی درمان ناپذیر دارد، حتی چنین قلبی می تواند یک لوح باشد که خدا قانون خود را بر آن می نویسد - ۳۱: ۳۳؛ دوم قرنطیان ۳: ۳.

۲. این نشان می دهد که خدا راهی برای افاضه کردن خود به درون انسان دارد؛ هنگامی که خدا به درون انسان آید، خودش را از روح انسان به قلب او گسترش خواهد داد؛ این راه خداست بر طبق اقتصادش تا به قلب انسان ساقط رسیدگی کند.

ب. «آیا حبشی، پوست خویش را تغییر تواند داد؟ / یا پلنگ خالهای خود را؟ / به همین گونه، آیا شما که به بدی کردن خو کرده اید، / کار نیک توانید کرد؟» - ارمیا ۱۳: ۲۳

۱. با ترک کردن خدا به عنوان منشأ، همان سرچشمه آب حیات، اسرائیل شرور گشت و دارای ذاتی تغییر ناپذیر و گناه آلود شد، مانند پوست حبشی و خالهای پلنگ، که نمی توانند تغییر کنند؛ این وضع حقیقی انسان ساقط را فاش می کند.

۲. ما به عنوان انسان‌های ساقط، در خودمان و توسط خودمان و با خودمان درمان ناپذیر و تغییر ناپذیر هستیم - رومیان ۷: ۱۸؛ متی ۱۲: ۳۴-۳۵؛ ۱۵: ۷-۱۱؛ ۱۸-۲۰؛ اول تواریخ ۲۸: ۹؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ ارمیا ۳۲: ۳۹-۴۰.

پ. هر کسی که برستی بینشی از خداوند در جلالش را ببیند، در وجدان خود درباره ناپاک بودنش روشن می شود؛ اینکه ما چقدر در مورد خود دریابیم بستگی دارد به اینکه چه مقدار خداوند را می بینیم - اشعیا ۶: ۵؛ یوحنا ۱۲: ۴۱؛ ایوب ۴۲: ۵-۶؛ لوقا ۵: ۸.

۱. ما هرچه بیشتر خداوند را دیده و افشا شویم، بیشتر پاک خواهیم شد؛ مشارکت ما با خداوند باید توسط پاک کردن مداوم خون خداوند، حفظ شود - اول یوحنا ۱: ۷، ۹.

۲. به معنای عهد جدید، دیدن خدا مساوی است با به دست آوردن خدا در تجربه شخصی ما؛ به دست آوردن خدا دریافت کردن او در عنصر، حیات و ذات اوست تا ما تبدیل به خدا در حیات و ذات امانه در هستی خدا، شویم.

۳. دیدن خدا ما را دگرگون می کند (دوم قرنطیان ۳: ۱۶، ۱۸؛ متی ۵: ۸)، زیرا در دیدن خدا، ما عنصر او را دریافت می کنیم، و عنصر کهنه ما تخلیه می شود؛ دیدن خدا به معنای دگرگون شدن به صورت پرجلال مسیح، آن خدا-انسان، است، تا ما بتوانیم خدا را در حیاتش ابراز کرده، و او را در اقتدارش نمایانگی کنیم.

۴. خود خدا که ما امروز بر او می نگریم، آن روح در کمال است، و ما او را در روحمان می نگریم؛ در زمان صبحگاهی با او، حتی اگر فقط برای یک ربع تا بیست دقیقه وقت داشته باشیم تا با خداوند صرف کنیم، زمان برای ماندن در آن روح است.

۵. ما می توانیم کلام را دعایی خوانی کنیم، با او صحبت نماییم، و یا با دعا‌های کوتاه به او دعا کنیم؛ سپس



این حس را خواهیم داشت که چیزی از عنصر خدا نصیبمان شده، و غنای خدا را به درون وجودمان جذب می‌کنیم؛ از این طریق ما روز به روز تحت دگرگونی الهی هستیم؛ این تماماً توسط نگریستن ما بر کمال خدا به عنوان آن روح در روحمان است.

۶. ما هرچه بیشتر خدا را ببینیم، خدا را بشناسیم و عاشق خدا باشیم، بیشتر از خودمان کراهت داشته و خود را انکار می‌کنیم - ایوب ۴۲: ۶؛ متی ۱۶: ۲۴؛ لوقا ۹: ۲۳؛ ۱۴: ۲۶.

#### ۴. مورد سوم در هسته کتاب ارمیا، آنچه مسیح برای ما هست است:

آ. «خداوند می‌فرماید: / هان، روزهایی می‌آید / که شاخه‌ای عادل برای داوود بر پا می‌کنم... / و نامی که بدان نامیده خواهد شد این است: / یهوه عدالتِ ما» - ۲۳: ۵-۶؛ ۳۳: ۱۶:

۱. «یهوه عدالتِ ما» به مسیح در الوهیت او اشاره دارد، و «شاخه‌ای عادل»، به مسیح در انسانیت او اشاره می‌کند.

۲. این عنوان، یهوه عدالتِ ما، نشان می‌دهد که مسیح، به عنوان نسل داوود، نه تنها یک انسان است بلکه همان یهوه که آسمان‌ها و زمین را آفرید نیز هست؛ او ابراهیم را برگزید، قوم اسرائیل را مستقر کرد، و خداوند داوود بود، همان کسی که داوود او را خداوند خطاب کرد؛ مسیح که خود یهوه است (خداوند داوود)، به عنوان شاخه داوود (پسر داوود) آمد تا عدالتِ مردم خدا باشد (اول قرن‌تین ۱: ۳۰):

(آ) ما بر اساس بازخرید او، می‌توانیم در مسیح ایمان آوریم تا بخشش خدا را دریافت کنیم (اعمال ۱۰: ۴۳)، و خدا می‌تواند ما را عادل بشمارد (رومیان ۳: ۲۶، ۲۴) و ما را با مسیح به عنوان ردای عدالتان [صداقت] بپوشاند (اشعیا ۶۱: ۱۰).

(ب) این امر راه را برای مسیح به عنوان تجسم خدای سه‌یکتا می‌گشاید (کولسیان ۲: ۹) تا به عنوان حیات در ما وارد شود (۳: ۴۴)، همان قانون حیات در درون ما (ارمیا ۳۱: ۳۳)، و همه چیز ما، تا اینکه برای به انجام رساندن اقتصاد جاودان خدا خودش را در تمام وجودمان توزیع کند.

ب. مسیح خودش عهد جدید است، وصیت جدید حیات، که توسط خدا به ما داده شده است - اشعیا ۴۲: ۶؛ ۴۹: ۸؛ ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲:

۱. به زبان یونانی، برای هر دو "عهد" و "وصیت"، کلمه‌ای یکسان استفاده شده است:

(آ) عهد و وصیت یکسان هستند، ولی وقتی که عهد-کننده زنده است، عهد بوده و هنگامی که او درمی‌گذرد، وصیت است؛ وصیت به عبارت امروزه، وصیت نامه است.

(ب) عهد یک توافق است که حاوی برخی پیمان‌ها به جهت به انجام رساندن امور ویژه برای افرادی که با آنها عهد شده، می‌شود؛ در حالی که وصیت، یک وصیت نامه که حاوی امور به انجام رسیده‌ای که به وارث داده می‌شود، است - عبرانیان ۹: ۱۶-۱۷؛ تثنیه ۱۱: ۲۹؛ ۲۸: ۱، ۱۵؛ ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۲.

۲. عهد قدیم شریعت، تصویری از خداست، ولی عهد جدید فیض، شخص خداست - یوحنا ۱: ۱۶-۱۷: (آ) وقتی ما در مسیح ایمان می‌آوریم، شخص آن تصویر به درون ما می‌آید و الزامات عادلانه شریعت را در ما، همان گونه که بر طبق روح گام برداشته و ذهنمان را بر روح قرار می‌دهیم، برآورده می‌سازد - حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ رومیان ۸: ۲، ۴، ۶، ۱۰.

(ب) مسیح از طریق مرگ خود، الزامات عدالت [صداقت] خدا بر طبق شریعت اش را تحقق داد و عهد جدید را تصویب کرد (۶: ۲۳؛ ۳: ۲۱؛ ۱۰: ۳-۴؛ لوقا ۲۲: ۲۰؛ عبرانیان ۹: ۱۶-۱۷)، و در رستاخته شدنش تبدیل به عهد جدید با تمامی میراث آن شد (اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵؛ اشعیا ۴۲: ۶؛ فیلیپیان ۱: ۱۹).

(پ) مسیح در صعودش طومار عهد جدید درباره اقتصاد خدا را گشود و در خدمتگزاری آسمانی خود به عنوان میانجی، مجری، او محتوای آن را اجرا می‌کند - مکاشفه ۵: ۱-۵؛ عبرانیان ۸: ۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴.

(ت) مسیح به عنوان آن شیر قبیله یهودا، بر شیطان غلبه کرده، او را شکست داد؛ مسیح به عنوان آن برّه بازخرید-کننده، گناه و گناهان انسان ساقط را برداشت، و به عنوان آن هفت روح، مسیح ما را با خودش به عنوان محتوای طومار عهد جدید آغشته می کند - مکاشفه ۵: ۵-۶؛ یوحنا ۱: ۲۹.

(ث) نجات خدا، برکات خدا و تمامی غنای خدا با ما عهد شده، و این عهد، مسیح است؛ واقعیت کلی صدها میراث در عهد جدید، مسیح است؛ خدا خودش را در مسیح به عنوان روح به ما وصیت کرده است - پیدایش ۲۲: ۱۸؛ غلاطیان ۳: ۱۴؛ اول قرنطیان ۱: ۳۰؛ ۱۵: ۴۵؛ افسسیان ۱: ۳؛ ۳: ۸؛ یوحنا ۲۰: ۲۲.

۳. روح ما "حساب بانکی" تمام میراث عهد جدید است؛ با قانون روح حیات، تمامی این میراث در ما توزیع شده، و برای ما واقعی می شوند - رومیان ۸: ۲، ۱۰، ۶، ۱۱، ۱۶؛ عبرانیان ۸: ۱۰؛ یوحنا ۱۶: ۱۳.

۴. مرکز، محتوی و واقعیت عهد جدید، قانون حیات درونی است (رومیان ۸: ۲)؛ این قانون در جوهر خود به حیات الهی اشاره دارد، و حیات الهی، خدای سه یکتاست که در مسیح شامل تمام تجسم شده و به عنوان روح حیات بخش پی برده می شود (کولسیان ۲: ۹؛ اول قرنطیان ۱۵: ۴۵)؛ او همان کسی است که پروسه دیده و در کمال است، تا خود برای مردم برگزیده اش، همه چیز باشد:

(آ) خدا در عهد جدید، خودش را به عنوان حیات در مردم برگزیده اش می گذارد، و این حیات، یک قانون است، یعنی یک قدرت خودبخود و یک اصل خودکار - عبرانیان ۸: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲.

(ب) قانون عهد جدید بر طبق حیاتش، خدای سه یکتای پروسه دیده است، و این قانون بر طبق عملکردش، ظرفیت الهی مقتدر است؛ این ظرفیت می تواند همه کار را در ما به جهت اجرای اقتصاد خدا انجام دهد.

(پ) این قانون در جوهر خود، مسیح به عنوان روح است، و در عملکرد خود، قادر است ما را الهی کند (آ. ۲، ۱۰، ۱۱، ۲۸-۲۹)؛ علاوه بر این، توانایی قانون حیات درونی، ما را به صورت اعضای بدن مسیح، با همه نوع عملکرد، متشکل می کند.

(ت) نوشتن قانون حیات بر قلب ما مطابقت دارد با تعلیم عهد جدید راجع به گسترش حیات الهی از مرکز وجود ما، که روحمان می باشد، تا پیرامون آن، که قلبمان است؛ خدا قانون خود را توسط حرکت کردن از روح به قلب ما، بر قلبمان می نویسد تا آنچه که خودش هست را در درون وجودمان حک کند (دوم قرنطیان ۳: ۳).

(ث) از طریق عملکرد خودبخود و خودکار حیات الهی در درون ما، ما ظرفیت شناخت خدا، زیستن خدا، و حتی تبدیل شدن به او در حیات و ذاتش اما نه در هستی خدا، را داریم تا بتوانیم افزایش و گسترش او شده، و برای ابراز جاودانش، پُری او شویم - افسسیان ۳: ۱۶-۲۱.

پیام سوم

## دو گناه مردم خدا

### و وفاداری خدا در تحقق بخشیدن اقتصاد خود

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۲: ۱۳؛ مزامیر ۳۶: ۸-۹؛

یوحنا ۴: ۱۰، ۱۴؛ ۷: ۳۷-۳۹؛ اول قرنتیان ۱۰: ۴؛ ۱۲: ۱۳

۱. ارمیا، کتابی پر از سخن درباره گناه اسرائیل و غضب خدا و تأدیب و تنبیه توسط او، نشان می دهد که قصد خدا در اقتصادش این است که سرچشمه، منشأ آب حیات [آب های زنده] باشد تا خودش را در درون مردم برگزیده-اش برای رضایت و مسرت آنها با هدف تولید کلیسا، همتای خدا، به عنوان افزایش و توسعه خدا، توزیع کند، تا به جهت ابراز او، پُری خدا باشد؛ هسته اصلی مکاشفه الهی این است که خدا ما را آفرید و باز خرید کرد که خودش را در ما بکار ببرد تا حیات و همه چیزمان باشد - ارمیا ۲: ۱۳؛ مزامیر ۳۶: ۸-۹؛ یوحنا ۳: ۲۹-۳۰؛ ۴: ۱۰، ۱۴؛ ۷: ۳۷-۳۹؛ مکاشفه ۷: ۱۷؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۹:

آ. مسیح به عنوان آن صخره زنده و روحانی، توسط اقتدار قانون خدا شکافته شد تا آب حیات در رستخیز بتواند از او به مردم برگزیده اش برای نشانیدن آنها جاری شود - خروج ۱۷: ۶؛ اول قرنتیان ۱۰: ۴.

ب. نوشیدن ما از آن یک روح در رستخیز، ما را اعضای بدن [مسیح] کرده، ما را به عنوان بدن بنا می کند، و ما را آماده می سازد تا عروس مسیح باشیم - اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ مکاشفه ۲۲: ۱۷.

۲. «قوم من مرتکب دو گناه شده اند: / مرا که [سر] چشمه آب حیاتم، / ترک گفته اند / و برای خویشتن آب انبارها گنده اند، / آب انبارهای ترک خورده / که آب را نگاه نتوانند داشت» - ارمیا ۱۳: ۲:

آ. اسرائیل باید از خدا به عنوان سرچشمه حیات می نوشید تا به عنوان ابراز خدا، افزایش او گردد، ولی در عوض، آنها مرتکب دو گناه شدند:

۱. آنها خدا را به عنوان سرچشمه، منشأ خود، ترک کردند، و به منشأی غیر از خدا روی آوردند؛ این دو گناه، در تمام کتاب ارمیا حاکم است.

۲. گندن آب انبارها نشانگر تقلای اسرائیل در زحمت خود به جهت ساختن چیزی (بت ها) برای جایگزین کردن خداست.

۳. اینکه آب انبارها ترک خورده بوده و نمی توانستند آب را نگه دارند نشان می دهد که غیر از خود خدا که به عنوان آب زنده در ما توزیع می شود، هیچ چیز نمی تواند تشنگی ما را رفع کرده و ما را افزایش خدا برای ابرازش کند - یوحنا ۴: ۱۳-۱۴.

ب. در نظر خدا، آن شخص شرور و خبیث همان کسی است که برای نوشیدن از خدا نزد او نمی آید (اشعیا ۵۵: ۷)؛ وضعیت شرورانه افراد خبیث این است که آنها برای خوردن، نوشیدن و مسرت بردن از خداوند، نزد او نمی آیند؛ آنها خیلی کارها می کنند ولی برای تماس با خداوند، برگرفتن او، دریافت او، چشیدن او و مسرت بردن از او نمی آیند؛ در نظر خدا، هیچ چیز از این شرورانه تر نیست (اشعیا ۵۵: ۷، ۵۷: ۲۰-۲۱؛ ۵۵: ۱-۲).

پ. خدا قصد داشت خودش را به عنوان رضایت انسان، در انسان توزیع کند تا گسترش یابد، ولی انسان خائن و بی عفت شد و به جهت بت ها، خدا را ترک کرد:

۱. یک بت در قلب ما (حزقیال ۱۴: ۳) هر چیز نیست که ما در درونمان آن را بیشتر از خداوند دوست داشته و از آن قدردانی می کنیم و در زندگی ما جایگزین خداوند می شود (اول یوحنا ۵: ۲۱):

(آ) کسانی که در قلبشان بت برپا می کنند، توسط بت هایشان از خداوند دور می شوند (حزقیال ۱۴: ۵).

(ب) همه کسانی که درونشان بت داشته ولی در ظاهر جویای خدا هستند، نمی توانند او را بیابند (حزقیال ۱۴: ۳؛ ارمیا ۲۹: ۱۳).

۲. اسرائیلی ها با پرستش بت ها، خودش را تهی و پوچ کردند؛ آنها بت های بسیاری داشتند که تعداد آنها

مطابق تعداد شهرهایشان بود (۲: ۵، ۲۸؛ ۱۱: ۱۳)؛ اسرائیل واقعیت خدای خود، که جلالش بود، را با بطلانِ بت‌ها تعویض کرد (۲: ۱۱؛ مزامیر ۱۰۶: ۲۰؛ رومیان ۱: ۲۳).

۳. ارتداد، مسئله ترک کردن راه خدا و برگرفتن راهی دیگر برای پیروی از چیزهای دیگر غیر از خداست؛ آن، ترک کردنِ خدا و روی آوردن به بت‌هاست - ارمیا ۲: ۱۹.

۴. وقتی اسرائیل توسط بابلی‌ها اسیر شد، مردم خدا هنوز بت‌های خود را رها نکردند و آنها را از سرزمین نیکو به بابل حمل کردند؛ هر چیزی که جایگزین خدا شده و یا جایگاه خدا را اشغال کند، یک بت است که برای پرستنده آن، یک بار [مزاحمت] می‌شود - اشعیا ۴۶: ۱.

۵. بت‌های گنگ و بی‌صدا (اول قرن‌تین ۱۲: ۲) پرستندگان خود را گنگ و بی‌صدا می‌کنند، ولی خدای زنده باعث می‌شود که پرستندگان در روح او سخن گویند (اول قرن‌تین ۱۲: ۳؛ مزامیر ۱۱۵: ۴-۸؛ ۱۱۶: ۱۲-۱۳).

(آ) هیچ یک از پرستندگان خدا نباید خاموش باشد؛ همه باید صداهای خود را بکار برند تا در روح خدا اعلام کنند که "عیسی خداوند است!".

(ب) این گفته - که "عیسی خداوند است" - عملکرد اصلی تمام عطایای روحانی است؛ خواندن نام خداوند با روحی مناسب، راه شرکت کردن در، و مسرت بردن از، روح القدس و تجربه نمودن اوست - اول قرن‌تین ۱۲: ۳.

(پ) «مردگان نیستند که خداوند را می‌ستایند، / و نه آنان که به دیار خاموشی فرو می‌روند! / ماییم که خداوند را می‌ستاییم، / از حال و تا ابدالابد. / هلولیاه!» - مزامیر ۱۱۵: ۱۷-۱۸.

۶. ما هرآنچه داریم و حتی هرآنچه هستیم می‌تواند یک بت شود؛ اسرائیل شرور بود و در ترک خدا برای بت‌ها، به خدا خیانت کرد؛ درباره چنین خیانتی به خدا، ما هم مانند اسرائیل هستیم.

### ۳. ما باید وفاداری خدا در تحقق بخشیدنِ اقتصادش را ببینیم - مقایسه با ۳۷: ۳:

آ. با اینکه ما بی‌وفاییم، خدا وفادار است (مراثی ۳: ۲۳ ب)؛ بندگانِ یکی از سرودهای معروف (سرود شماره ۱۹) می‌گویند: «وفایت عظیم است! وفایت عظیم است! / هر روز رحمت‌های تازه بینم. / بهر نیازم، دستت فراهم کرد؛ / وفایت عظیم است، برای من!»:

۱. ما می‌توانیم آنچه کتاب مقدس و این سرود درباره وفاداری خدا می‌گویند را یا بطور طبیعی و یا بطور روحانی بفهمیم.

۲. اگر ما فهمی طبیعی درباره وفاداری خدا داشته باشیم، شاید فکر کنیم که او ابتدا راجع به نعمت‌های مادی یا برکات فیزیکی وفادار است، ولی وفاداری خدا بر طبق فهم طبیعی ما نیست؛ اول قرن‌تین ۱: ۹ می‌گوید که خدا در فراخواندن ما به مشارکت با پسرش امین است، اما مطابق فهم طبیعی ما او شاید در مراقبت از رفاه ما امین نباشد.

۳. «رنج‌های پولس رسول را در نظر بگیرید. او توسط خدا فراخوانده شده، مأموریت یافته، بار قلبی داشته، و فرستاده شده بود، ولی هرکجا که می‌رفت، مشکلاتی داشت. برای مثال، او به محض اینکه بشارت مسیح را شروع کرد، دستخوش جفا شد. او حتی توسط پاپین آورده شدن از دیوار در یک سبد، مجبور به فرار از دمشق شد. آیا این موضوع به معنای امین نبودن خدا نسبت به پولس است؟ خیر، این موضوع بدین معناست که وفاداری خدا بر طبق فهم طبیعی ما نیست».

۴. ما وقتی در خداوند عیسی ایمان آوردیم، شاید انتظار آرامش و برکت ظاهری را داشته، ولی در عوض، ممکن است مشکلات بسیاری داشته‌ایم، و شاید امنیت، سلامتی، یا دارایی خود را از دست داده باشیم؛ برخی مسیحیان وقتی چنین تجاربی دارند، شاید وفاداری خدا را زیر سؤال برده باشند و پرسند چرا او از مشکلات آنها جلوگیری نکرد - اعمال ۱۴: ۲۲؛ اول تسالونیکیان ۳: ۲-۵.

۵. ما باید دریابیم که در اجازه دادن به مشکلات، خدا در مقصودش امین است که ما را از بت‌ها به سوی خودش بازگرداند؛ آرامش، امنیت، سلامتی و دارایی ما شاید برایمان بت شوند، ولی خدا امین است که این

چیزها را دور کند تا ما از او به عنوان سرچشمه آب حیات بنوشیم.

۶. برای مثال، اگر خانه و یا داراییمان برای ما تبدیل به بت شوند، ما از آنها و نه از خدا می‌نوشیم؛ وفاداری خدا مسئله رسیدگی به این بت‌هاست و نوشیدن از اوست - مزامیر ۳۶: ۸.

۷. خدا در هدایت ما به درون اقتصادش امین است (اول قرن‌تیا ۱: ۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴)، و اقتصاد او این است که ما مسیح را بخوریم، مسیح را بنوشیم، از مسیح مسرت ببریم، مسیح را جذب کنیم، و مسیح را هضم نماییم تا خدا بتواند برای تحقق اقتصادش، در ما افزایش خود را داشته باشد.

۸. ما باید ببینیم که از اسرائیل بهتر نیستیم؛ هرچیزی می‌تواند برای ما یک بت شود، ولی خدا در تحقق دادن به اقتصادش امین است؛ او در وفاداری خود، به بت‌های ما رسیدگی می‌کند تا ما بتوانیم از او بنوشیم؛ ما همگی باید از خدا به عنوان سرچشمه آب حیات بنوشیم، و مسیح را به درون خود دریافت نموده و او را هضم کنیم تا او در ما افزایش یابد به جهت تحقق اقتصاد خدا که داشتن ابرازش توسط ما به عنوان همتای اوست - یوحنا ۳: ۲۹-۳۰.

ب. اگر ما دریابیم که نسبت به خدا بی‌وفا بوده‌ایم، شاید توبه و گریه کنیم، ولی سپس باید شروع به نوشیدن از آب حیات کرده، خدا را ستایش کنیم، برای همه چیز به او شکرگزاری نموده، و از او مسرت ببریم (اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸)؛ این آنچه خدا می‌خواهد است؛ خدا به هیچ چیز دیگر غیر از مسرت بردنمان از مسیح تمایل ندارد: ۱. ما شاید فکر کنیم که به خاطر شکستمان، نا امید هستیم؛ قطعاً مردم اسرائیل باید حس می‌کردند که خدا آنها را واگذاشته و کارشان تمام بود، ولی رحمت‌های [شفقت‌های] خدا بی‌زوال است؛ بلکه آنها هر بامداد تازه می‌شود - مراثی ۳: ۲۲-۲۳.

۲. ارمیا حتی می‌توانست اعلام کند که یهوه-خداوند نصیب او بود و اینکه او بر خداوند امید می‌بست، زیرا خداوند برای منتظران خود نیکوست؛ امید در خداست چرا که با خدا هیچ دلسردی نیست - آ. ۲۴-۲۵؛ مزامیر ۱۶: ۵؛ ۷۳: ۲۵-۲۶.

۳. شکست ما راه را می‌گشاید تا مسیح بیاید برای اینکه صداقت [عدالت] و بازخريد ما باشد و نیز خود را در ما توزیع کند تا حیات ما و قانون حیات با ظرفیت آن برای شناخت و زیستن خدا باشد؛ به عبارتی دیگر، شکست ما بسادگی راه را برای مسیح گشوده، و هموار می‌کند تا به جهت تمجید شدن در ما و توسط ما، برای اینکه مرکزیت و جامعیت ما باشد، به درون آید - ارمیا ۲۳: ۵-۶؛ ۳۱: ۳۳-۳۴؛ کولسیان ۱: ۱۷، ۱۸.

۴. اگر ما امروز نسبت به خدا کوتاهی کنیم، نباید دلسرد شویم؛ خدا راهی برای رسیدگی به ما دارد تا باعث شود، چه به عنوان عروس پیروزمندش در عصر بعدی و چه به عنوان همسرش در ابدیت، بالغ شده و تبدیل به اورشلیم نو شویم - عبرانیان ۶: ۱۱.

۵. برای ما نیازی نیست که نگران وضعیتمان باشیم؛ خدا صبور، دلسوز و رحیم است، و برای بالغ کردن ما وقت خواهد گذاشت:

(آ) هر ایماندار، چه اکنون ضعیف یا قوی باشد، ساختاری از اورشلیم نو خواهد بود، و هر که آنجاست بالغ خواهد بود - مکاشفه ۱۹: ۷-۹؛ ۲۱: ۲.

(ب) بنابراین، ما نباید نومید و یا دلسرد شویم؛ بلکه، باید توسط خدای همه رحمت‌ها و دلگرمی‌ها تشویق شده و تسلی یابیم - دوم قرن‌تیا ۱: ۳-۴؛ رومیان ۱۵: ۵.

(پ) ما باید با نوشیدن او برای اینکه او واقعیت درون ما باشد، آن پرستندگان راستین خدا، که سرچشمه آب حیات است، باشیم؛ این امر، عاقبت، اصالت و خلوص نیت ما می‌شود که در آن، ما خدا را با پرستشی که او می‌جوید، می‌پرستیم - یوحنا ۴: ۲۳-۲۴.

## پیام چهارم

### کلام خدا - تأمین الهی به عنوان غذا

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۱۵: ۱۶؛ تثنیه ۸: ۳؛ متی ۴: ۴؛

یوحنا ۵: ۳۹-۴۰؛ ۶: ۵۰-۵۱، ۵۷، ۶۳؛ کولسیان ۳: ۱۶

#### ۱. «سخنانت یافت شد، و آنها را خوردم» - ارمیا ۱۵: ۱۶:

آ. ما در کتاب مقدس ابتدا خدا را داریم، و سپس سخن گفتن خدا را داریم، کلامی که از دهان او صادر می شود - پیدایش ۱: ۱، ۳؛ متی ۴: ۴.

ب. تمامی کتب مقدس الهام [نفس] خداست؛ بنابراین، کلام در کتب مقدس، همان کلامی است که از دهان خدا صادر می شود - دوم تیموتائوس ۳: ۱۶.

پ. کتاب مقدس به عنوان کلام خدا، همان تجسم خدا، مسیح، روح و حیات است - یوحنا ۱: ۱، ۴؛ ۶: ۶۳؛ ۱۴: ۶، ۱۷، ۲۰؛ ۱۵: ۷؛ اول یوحنا ۱: ۱؛ رومیان ۸: ۲.

ت. کتاب مقدس به عنوان کلام خدا، از سه عنصر تشکیل شده است - مسیح، مرگ مسیح، و رستاخیز مسیح - فیلیپیان ۱: ۲۰-۲۱؛ ۲: ۱۶؛ ۳: ۱۰-۱۱؛ ۴: ۱۳.

ث. سخنان گفته شده توسط خداوند عیسی، روح و حیات است - یوحنا ۶: ۶۳:

۱. سخنان گفته شده خداوند، تجسم روح حیات است - رومیان ۸: ۲.

۲. اکنون مسیح، روح حیات بخش در رستاخیز است، و روح در سخنان او مجسم شده است - اول قرنطیان ۱۵: ۴۵؛ دوم قرنطیان ۳: ۱۷؛ یوحنا ۱: ۱، ۴؛ ۶: ۶۳.

۳. وقتی ما توسط بکار بردن روحمان کلام او را دریافت می کنیم، روح را که حیات است، دریافت می نماییم - ۵: ۳۹-۴۰.

ج. کلام خدا، تأمین الهی به عنوان غذا برای تغذیه ماست - تثنیه ۸: ۳؛ متی ۴: ۴:

۱. مفهوم الهی کلام خدا آن است که [کلام خدا] غذاست که ما توسط آن تغذیه می شویم - اول قرنطیان ۳: ۱-۲؛ عبرانیان ۵: ۱۲-۱۴.

۲. کلام خدا، خود خدا به عنوان غذای ماست - یوحنا ۱: ۱، ۴؛ ۱۴: ۶؛ ۳۳: ۵۱، ۵۷.

۳. خداوند عیسی کلام خدا در کتب مقدس را به عنوان نان خود برگرفت و توسط آن زندگی کرد - متی ۴: ۴.

۴. هر کلمه ای که از دهان خدا صادر می شود، غذای روحانی برای تغذیه ماست؛ این غذایی است که ما باید توسط آن زندگی کنیم - یوحنا ۶: ۵۱، ۵۷.

۵. خدا از طریق کلام به عنوان غذای ما، غنای خود را به درون وجود ما توزیع می کند تا ما بتوانیم با عنصر او ساخته شویم.

چ. بر طبق تمام مکاشفه در کتاب مقدس، کلام خدا برای خوردن ما نیکوست و ما باید آن را بخوریم - مزامیر ۱۱۹: ۱۰۳؛ متی ۴: ۴؛ عبرانیان ۵: ۱۲-۱۴؛ اول پطرس ۲: ۲-۳:

۱. خدا می خواهد که انسان، او را خورده، هضم و جذب کند - یوحنا ۶: ۵۰-۵۱، ۵۷:

(آ) خوردن، تماس داشتن با چیزهایی در بیرون از ما و دریافت آنها به درونمان است، با این نتیجه که آنها عاقبت ساختار ما شوند - پیدایش ۲: ۱۶-۱۷.

(ب) خوردن، دریافت غذا به درونمان است تا بتواند به طور زنده جذب بدن ما شود - یوحنا ۶: ۴۸، ۵۰.

(پ) کلام خدا به عنوان غذایی که توسط ما خورده، هضم و جذب می شود، در واقع، تبدیل به ما می شود، این کلام است که ساختار ما می شود - متی ۴: ۴؛ کولسیان ۳: ۱۶.

۲. هرگاه کتاب مقدس را می خوانیم، باید برای حیات، به حضور خداوند بیاییم و نان حیات را که خود مسیح است، بخوریم - یوحنا ۵: ۳۹-۴۰؛ ۶: ۴۸، ۵۰-۵۱، ۵۷.

۳. خوردن خداوند به عنوان کلام، پذیرفتن او به درون چون تأمین حیاتمان است؛ او نان حیات است برای ما که بخوریم - آ. ۴۸، ۵۱.
۴. راه خوردن خداوند، کلام را دعا کردن است؛ دعایی-خواندن کلام خدا، تمرین روحمان برای خوردن کلام است - افسسیان ۶: ۱۷-۱۸.
۵. هرچه بیشتر کلام خدا را بخوریم، بیشتر با مسیح ساخته و اشباع خواهیم شد - غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ کولسیان ۳: ۴، ۱۰-۱۱.
۶. وقتی خداوند عیسی را می خوریم، باید هضم روحانی درست داشته باشیم - حزقیال ۲: ۸-۳: ۳؛ ارمیا ۱۵: ۱۶؛ مکاشفه ۱۰: ۹-۱۰.
- (آ) اگر هضمی خوب داشته باشیم، شاهراهی برای رسیدن غذا به همه بخشهای درونمان وجود خواهد داشت - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷.
- (ب) سوءهاضمه یعنی آنکه هیچ راهی برای مسیح به عنوان غذای روحانی وجود ندارد تا به بخشهای درونی ما برسد - عبرانیان ۳: ۱۲-۱۳، ۱۵؛ ۴: ۲.
- (پ) ما باید کل وجودمان را با همه بخشهای درونمان برای خداوند باز نگاه داریم به طوری که غذای روحانی، یک شاهراه در درون ما داشته باشد؛ اگر این چنین عمل کنیم، هضم و جذب درست خواهیم داشت، مسیح را به عنوان تغذیه روحانی جذب خواهیم کرد، و مسیح ساختار ما خواهد شد - کولسیان ۳: ۴، ۱۰-۱۱.
۷. چون ما آنچه می خوریم، هستیم، اگر خدا را به عنوان خوراکمان بخوریم، با خدا یک خواهیم شد و حتی در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، خدا می شویم - یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ ۶: ۳۲-۳۳، ۴۸، ۵۱، ۵۷.
۲. «وکلامت شادی و لذت دل من گردید» - ارمیا ۱۵: ۱۶:
- آ. گرچه ارمیا بیش از سایر انبیا رنج برد، اما هرگاه کلام خدا را می یافت و می خورد، در دل شادی و لذت داشت - آ. ۱۶.
- ب. کلمه «گردید» در آیه ۱۶، نشان می دهد که شادی و لذت نتیجه کلام خداست که خورده شده، هضم و جذب شده، و درون وجودمان ترکیب می شود، و باعث می گردد که شادی خداوند، شادی ما شود - یوحنا ۱۵: ۷، ۱۱-۱۰.
۱. وقتی ما کلام خدا را می خوریم، کلام او شادی و لذت دل ما می گردد- ارمیا ۱۵: ۱۶.
۲. پس از آنکه کلام خدا به درون ما پذیرفته شده، و در بخشهای درونی وجود ما جذب شود، این کلام لذت درونی و شادی بیرونی می گردد.
- پ. خدا، خدای شادمانی است، و او می خواهد که ما از وی مسرت ببریم - نحمیا ۸: ۱۰؛ مزامیر ۳۶: ۸:
۱. یک اندیشه شیرین که در کلام خدا آشکار شده، این است که خدا در مسیح، خودش را به عنوان فیض به ما داده تا مسرت ما باشد - یوحنا ۱: ۱۴، ۱۶-۱۷؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴.
۲. در نخستین مرجع کتاب مقدس درباره رابطه بین خدا و انسان، خدا خودش را به عنوان غذا به انسان ارائه کرد؛ این نشان می دهد که خدا مایل است که خودش را به ما بدهد تا مسرت ما باشد - پیدایش ۲: ۷، ۹؛ مزامیر ۱۶: ۱۱؛ ارمیا ۱۵: ۱۶.
- ت. رومیان ۱۴: ۱۷، از «شادی در روح القدس» سخن می گوید:
۱. این آیه نشان می دهد که آن روح با شادی مرتبط است؛ شادی یک صفت روح است - م.ش. اول تسالونیکیان ۱: ۶.
۲. شادی، میوه روح نیز هست؛ روح ساکن در درون، به ایمانداران شادی می دهد - غلاطیان ۵: ۲۲.
۳. وقتی ما در روح باشیم، شادمان هستیم، آنقدر شادمان که می توانیم سرود بخوانیم و برای ستایش خداوند فریاد برآوریم - م.ش. اعمال ۱۶: ۲۵.
۴. ما می توانیم از «شادی وصف ناپذیر و پر جلال آکنده» باشیم - اول پطرس ۱: ۸:

(آ) شادی پر جلال، آن شادی است که در خداوند به عنوان جلال غوطه‌ور باشد؛ پس سرشار از ابراز خداست - اعمال ۷: ۲، ۵۵؛ اول پطرس ۵: ۱۰؛ دوم پطرس ۱: ۳.  
(ب) ما با آن شادی که در جلال غوطه‌ور است وجد می‌کنیم - اول پطرس ۱: ۸.

### ۳. «کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن شود» - کولسیان ۳: ۱۶:

- آ. کلام مسیح، کلامی است که توسط مسیح گفته شده است - یوحنا ۶: ۶۳:
۱. خدا، در اقتصاد عهد جدید خود، در پسر سخن می‌گوید - عبرانیان ۱: ۱-۲.
  ۲. پسر، نه تنها خودش در انجیل‌ها، بلکه از طریق اعضای خود، رسولان و انبیا، در کتاب اعمال، در رساله‌ها، و در کتاب مکاشفه نیز سخن می‌گوید؛ همه این سخنان را می‌توان کلام او محسوب کرد.
  ۳. کلام مسیح شامل تمام عهد جدید می‌شود، و ما باید با این کلام پر شویم - کولسیان ۳: ۱۶.
- ب. کلام مسیح، در واقع، شخص مسیح است - آ. ۱۶؛ یوحنا ۱۵: ۴، ۷:
۱. پولس تقریباً به کلام مسیح شخصیت می‌دهد؛ او به ما می‌گوید که اجازه دهیم تا این کلام در ما ساکن شود، انگار که یک شخص زنده است - کولسیان ۳: ۴، ۱۶.
  ۲. نخست، ما مسیح را به عنوان حیاطمان داریم؛ سپس کلام زنده او را داریم که به عنوان شخص او که در ما ساکن است، شخصیت گرفته است - کولسیان ۳: ۴، ۱۶.
  ۳. چون کلام مسیح می‌تواند در ما ساکن شود، باید یک شخص زنده باشد؛ بنابراین، اجازه دادن به کلام مسیح تادر ما ساکن شود، نشان می‌دهد که ما به یک شخص زنده - خود مسیح - اجازه می‌دهیم تا در ما ساکن باشد - آ. ۱۶؛ ۱: ۲۷.
- پ. ما باید اجازه دهیم تا کلام مسیح در ما به دولتمندی ساکن شود و جایگاه نخست را در وجود ما داشته باشد - ۳: ۱۶:
۱. کلمه «اجازه دادن» مهم است؛ کلام مسیح هم اکنون حاضر هست، اما ما باید اجازه دهیم تا در درون ما عمل کند.
  ۲. ساکن بودن کلام مسیح به دولتمندی در ما یعنی [کلام مسیح] به طور غنی در ما مسکن‌گزیند، در ما منزل کند - آ. ۱۶.
  ۳. کلمه یونانی برای «ساکن شدن» در لغت یعنی «در یک خانه بودن»، «منزل کردن»، «مسکن‌گزیدن»:
- (آ) این نشان می‌دهد که ما باید اجازه دهیم تا کلام مسیح در ما ساکن شود، مسکن‌گزیند، در ما خانه بسازد - آ. ۱۶.
- (ب) کلام خداوند باید فضای کافی در درون ما داشته باشد تا بتواند عمل کرده و غنای مسیح را در درون ما خدمتگزاری کند - افسسیان ۳: ۸.
۴. باید به کلام مسیح آزادی داده شود تا در درون ما عمل کند، در ما مسکن‌گزیند، و در ما خانه بسازد - کولسیان ۳: ۱۶.
- ت. ما باید به کلام مسیح اجازه دهیم که در ما ساکن شود تا بتوانیم عملکردهای کلام خدا را که در ما عمل کرده و غنای مسیح را به درون ما خدمت می‌کنند، تجربه کنیم - افسسیان ۳: ۸:
۱. کلام خدا نور می‌بخشد (مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵، ۱۳۰)، تغذیه می‌کند (متی ۴: ۴؛ اول تیموتائوس ۴: ۶)، و ما را آبیاری می‌کند تا تشنگی‌مان رفع شود [ما را سیراب سازد] (اشعیا ۵۵: ۸-۱۱).
  ۲. کلام خدا قوت می‌بخشد (اول یوحنا ۲: ۱۴؛ امثال ۴: ۲۰-۲۲)، شستشو می‌دهد (افسسیان ۵: ۲۶)، و ما را بنا می‌سازد (اعمال ۲۰: ۳۲).
  ۳. کلام خدا کامل می‌کند، بی‌عیب می‌سازد (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۷)، و توسط تقدیس، ما را تهذیب می‌کند (یوحنا ۱۷: ۱۷).
  ۴. با اجازه دادن به کلام مسیح برای ساکن شدن در ما، می‌توانیم یک خدا-انسان بشویم، سرشار از مسیح به عنوان واقعیت خواص خدا - کولسیان ۳: ۱۶-۲۱؛ فیلیپیان ۴: ۵-۸.



## پیام پنجم

### خدا به عنوان کوزه‌گر حاکم ما ما را ظروف و محفظه [کانتینر] خود کرده، تا حاوی او باشیم

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۱۸: ۱-۱۰؛ اشعیا ۶۴: ۸؛

رومیان ۹: ۱۵-۱۶، ۱۹-۲۳؛ اعمال ۹: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۴: ۶-۷

۱. خدا به عنوان کوزه‌گر حاکم ما، بر ما به عنوان ظروف سفالین خود، حق مطلق دارد؛ برای ما حیاتی است که  
بینشی از حاکمیت مطلق خدا را ببینیم - ارمیا ۱۸: ۱-۱۰؛ اشعیا ۶۴: ۸؛ دانیال ۴: ۳، ۳۴-۳۵؛ رومیان ۹: ۱۹-۲۳؛  
آ. حاکمیت مطلق [مشیّت؛ خودمختاری] اشاره دارد به اقتدار، قدرت، و مقام نامحدود خدا - مکاشفه ۴: ۱۱؛  
۵: ۱۳؛

۱. خدا به عنوان حاکم مطلق، مافوق همه چیز، پشت همه چیز، و در همه چیز است - اول پادشاهان ۲۲:  
۱۹.

۲. خدا توانایی کامل دارد که آنچه مایل است را بر طبق خواسته قلبی خود و مطابق اقتصاد خود اجرا نماید  
- دانیال ۴: ۳۴-۳۵؛ افسسیان ۱: ۴-۵، ۹-۱۱.  
ب. رومیان ۹: ۱۹-۲۳ به حاکمیت مطلق خدا اشاره دارد:

۱. «کیست که بتواند در برابر اراده او ایستادگی کند؟ اما ای انسان، تو کیستی که با خدا مجادله کنی؟ آیا  
مصنوع می تواند به صانع خود بگوید چرا مرا چنین ساختی؟» - آ. ۱۹ ب-۲۰:  
(آ) ما باید دریابیم که چه کسی هستیم؛ ما مخلوقات خداییم، و او خالق ماست - اشعیا ۴۲: ۵.  
(ب) ما به عنوان مخلوقات او، نباید در برابر مقصود او مقاومت کنیم و یا به او، آن خالق، جواب پس  
دهیم - رومیان ۹: ۲۰.

۲. «آیا کوزه‌گر اختیار ندارد که از توده گلی واحد، ظرفی برای مصارف مهم [عزت] و ظرفی دیگر برای مصارف  
معمولی [ذلت] بسازد؟»:

(آ) خدا کوزه‌گر ماست، و ما گِل در دستان او هستیم؛ خدا کوزه‌گر ما، همان حاکم مطلق است  
- ارمیا ۱۸: ۱-۶؛ اشعیا ۶۴: ۸.

(ب) خدا به عنوان کوزه‌گر ما، اختیار مطلق بر ما دارد؛ درباره ما، او حق دارد هرچه مایل است را انجام  
دهد؛ اگر خدا بخواهد، او می تواند یک ظرف را برای عزت و ظرفی دیگر را برای ذلت بسازد - ارمیا  
۱۸: ۶؛ اشعیا ۲۹: ۱۶؛ ۶۴: ۸؛ رومیان ۹: ۲۱.

پ. حاکمیت مطلق خدا اساس گزینش اوست، گزینش او به حاکمیت مطلق وی بستگی دارد - آ. ۱۱، ۱۸؛ ۱۱:  
۵، ۲۸.

۲. خدا به عنوان کوزه‌گر ما، ما را حاکمانه خلق کرد تا بر طبق پیش‌گزینی او، ظروفش باشیم - دوم قرنتیان ۴:  
۶-۷؛ افسسیان ۴: ۶؛ ۳: ۱۹ ب؛ فیلیپیان ۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۲:  
۲۰-۲۱؛ افسسیان ۱: ۵، ۱۱:

آ. مقصود خدا از خلقت انسان این بود که انسان را ظرف خود نماید، یعنی ظرف سفالین خود، برای حاوی بودن  
او و پر شدن از مسیح چون حیات ما به جهت بنای بدن مسیح به عنوان ظرف بزرگ و جمعی خدا برای ابراز  
او - پیدایش ۲: ۷؛ اعمال ۹: ۱۵؛ رومیان ۹: ۲۱، ۲۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۷.

ب. تعلیم اساسی در کل متون مقدس بسادگی این است: خدا همان محتواست، و ما ظروف یا محفظه‌ها هستیم  
تا آن محتوا را دریافت کنیم؛ ما باید حاوی خدا بوده و با خدا پر شویم تا بتوانیم ظروفی برای عزت، تقدیس-  
شده، مفید برای صاحبخانه، و مهیا برای هر عمل نیکو باشیم - دوم تیموتائوس ۲: ۲۰-۲۱.

پ. اگر ما حاوی خدا نباشیم و خدا را به عنوان محتوای خود نشناسیم، یک تضاد بی معنی خواهیم بود - مرثی  
۲: ۱۴، ۳:

ت. تمامی چهارده رساله پولس می تواند در دو کلمه خلاصه شود - «ظرفِ باز»:

۱. میزانی که خدا می تواند خودش را در ما توزیع کند بستگی دارد به میزان باز بودن ما؛ خدا فقط می خواهد که عاشق او باشیم و خود را به او باز نگه داریم - دوم پادشاهان ۴: ۱-۷؛ متی ۵: ۳؛ یوحنا ۱: ۱۶؛ اشعیا ۵۷: ۱۵؛ ۶۶: ۱-۲.

۲. زوال، از خودکفایی آغاز می شود؛ پیشرفت، از گشنگی و تشنگی آغاز می شود - دانیال ۴: ۲۵؛ لوقا ۱: ۵۳؛ فیلیپیان ۱: ۲۵؛ مکاشفه ۳: ۱۶-۱۸.

۳. خدا به عنوان کوزه گر ما، در حاکمیت مطلق خود اختیار دارد کسانی که برگزیده و فراخوانده را تبدیل به ظروف رحمت برای عزت و جلال گرداند - رومیان ۹: ۱۱، ۱۸، ۲۱-۲۴:

آ. ما توسط خدا بر طبق رحمت حاکمانه او برگزیده شدیم؛ رحمت خدا فراگیرتر از خواص اوست، که ما را از جایگاه اسفانگیزمان نجات داد، و به موقعیتی شایسته فیض و محبت خود آورد - افسسیان ۲: ۱-۴؛ عبرانیان ۴: ۱۶؛ متی ۵: ۷؛ ۷: ۱؛ ۹: ۱۳.

۱. بر طبق وضع طبیعی ما، ما از خدا خیلی دور بوده، و کاملاً نالایق فیض او بودیم؛ ما فقط مستحق دریافت رحمت او بودیم - افسسیان ۲: ۴.

۲. نافرمانی انسان به رحمت خدا فرصت می دهد، و رحمت خدا، انسان را به نجات می آورد - رومیان ۱۱: ۳۲.

۳. ما آفریده شدیم تا برای حاوی بودن مسیح به عنوان خدای رحمت، ظروف رحمت باشیم - ۹: ۱۱-۱۳، ۱۶، ۲۰-۲۱؛ مرثی ۳: ۲۱-۲۴؛ لوقا ۱: ۷۸-۷۹.

۴. به خاطر رحمت خدا، ما به انجیل واکنش نشان دادیم وقتی که دیگران ندادند، ما کلامی درباره مسیح به عنوان حیات را پذیرفتیم وقتی که دیگران نپذیرفتند، و ما راه بازیابی خداوند را برگرفتیم وقتی که دیگران از این راه عقب کشیدند - سرود انگلیسی ۲۹۶، بند ۳.

ب. «رحم خواهیم کرد بر هر که نسبت به او رحیم هستیم».... پس به خواست یا تلاش انسان بستگی ندارد، بلکه به خدایی بستگی دارد که رحم می کند» - رومیان ۹: ۱۵، آ. ۱۶:

۱. برداشت ما این است که آن کسی که خواسته ای دارد، خواست خود را به دست می آورد و آن کسی که تلاش می کند، آنچه به دنبال آن است را کسب می کند - آ. ۱۶:

(آ) اگر این مورد درست بود، گزینش خدا بر طبق کوشش و زحمت ما می بود.

(ب) بر عکس، گزینش خدا از جانب خداست که رحیم است؛ نیازی نیست که ما بخواهیم و تلاش کنیم، زیرا خدا بر ما رحمت دارد.

(پ) اگر ما رحمت خدا را بشناسیم، نه در کوشش خود اعتماد می کنیم و نه توسط شکست هایمان دلسرد می شویم؛ امید برای وضع اسفناک ما در رحمت خداست - افسسیان ۲: ۴.

۲. اگر ما بخواهیم خدا را در اقتصاد عهد جدیدش خدمت کنیم، باید بدانیم که این تماماً به رحمت حاکمانه خدا مربوط است - رومیان ۹: ۱۵-۱۶؛ عبرانیان ۴: ۱۶:

(آ) اگر ما حاکمیت مطلق خدا را بشناسیم، او را برای رحمتش خواهیم ستود، با این تشخیص که ما تحت رحمت حاکمانه او هستیم - رومیان ۹: ۱۵.

(ب) عبارت "رحمت حاکمانه" یعنی که رحمت خدا مطلقاً مرتبط است با حاکمیت مطلق او؛ یک ظرف مورد رحمت بودن، نتیجه انتخاب ما نیست؛ این از مشیت [حاکمیت مطلق] خدا سرچشمه می گیرد.

(پ) تنها چیزی که برای توضیح رحمت خدا نسبت به ما می توانیم بگوییم این است که خدا در مشیت خود انتخاب کرده است که بر ما رحمت کند - آ. ۱۵-۱۶، ۲۳.

۳. در رحمت حاکمانه خدا دل های ما به او گرایش دارد؛ بدلیل رحمتش بر ما، ما روز به روز جویای او هستیم - ارمیا ۲۹: ۱۲-۱۳؛ تثنیه ۴: ۲۹؛ اشعیا ۵۵: ۶؛ مزامیر ۲۷: ۸؛ ۱۰۵: ۴؛ ۱۱۹: ۲؛ عبرانیان ۱۱: ۶.

۴. ما هرچه بیشتر ببینیم که همهٔ امور مربوط به ما، به رحمت خدا بستگی دارد، بیشتر حامل مسئولیت خود در برابر خداوند خواهیم بود؛ ولی حتی تمایل ما برای متحمل شدن مسئولیت، رحمت خداست.
۵. خدا راجع به بازبایی خود، رحم می‌کند بر هر که نسبت به او رحیم است.
- پ. رومیان باب ۹ این اصل را آشکار می‌کند که همه چیز به رحمت خدا بستگی دارد - آ. ۱۵-۱۶:
۱. پولس رسول این اصل را بر اسرائیلی‌ها بکار می‌برد، که به ما نشان می‌دهد که هر اتفاقی داد، از رحمت خدا بود - آ. ۱۶، ۲۳.
  ۲. حداقل باید یک زمان باشد که ما رحمت خدا را ببینیم و به طور قطعی رحمت او را لمس کنیم - افسسیان ۲: ۴؛ متی ۹: ۱۳:
- (آ) در این مورد، چشمان ما باید حداقل یکبار باز شود؛ باید حداقل یکبار باشد که ما ببینیم که همه چیز به رحمت خدا بستگی دارد.
- (ب) اینکه ما این مطلب را به یکباره ببینیم و یا آن را تدریجاً دریابیم، لحظه‌ای که این مطلب را لمس می‌کنیم، نه یک احساس بلکه یک حقیقت را لمس می‌نماییم؛ این حقیقت این است که همه چیز به رحمت خدا بستگی دارد.
- ت. «پس آزادانه [با شهامت] به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد» - عبرانیان ۴: ۱۶؛ مقایسه با آ. ۱۵؛ لوقا ۱۵: ۲۰-۲۴.
- ث. خدای پدر در حاکمیت مطلق خود، بر ما رحم کرده است؛ بنابراین، ما باید او را برای رحمتش ستایش کنیم و بپرستیم:
۱. «پدر، مسرت بریم از رحمت، / نو و تازه؛ / آن هر صبح جاری است بر ما، / تازه کند چون شبنم. / می‌چشیمش! می‌چشیمش! / پر از ستایش شویم» - سرود ۲۶، بند ۵.
  ۲. پدر، رحمت با عشق و فیض ات را / کسب کردیم؛ / و در رحمت، با تو رو در رو، / دائم مانیم؛ / بهر رحمت می‌پرستیمت / همهٔ عمر و تا ابدیت» - سرود ۲۵، بند ۳.
- ج. ما آفریده شدیم که ظروف رحمت برای عزت (دوم تیموتائوس ۲: ۲۰-۲۱؛ رومیان ۹: ۲۱) باشیم بدین جهت که حاوی مسیح به عنوان خدای حرمت [عزت] باشیم تا بتوانیم خدا و انسان را احترام کنیم (داوران ۹: ۹):
۱. ظروف برای عزت بودن، نتیجهٔ انتخاب ما نیست؛ این امر از مشیت [حاکمیت مطلق] خدا سرچشمه می‌گیرد - رومیان ۹: ۲۱.
  ۲. ایمانداران با مسیح به عنوان گنجینهٔ خود، از طریق تولد تازه، ظروف برای عزت هستند - دوم قرنتیان ۴: ۶-۷.
  ۳. ایمانداران توسط پاک نگاه داشتن خود از ظروف برای ذلت، ظروف برای عزت هستند - دوم تیموتائوس ۲: ۲۰-۲۱.
  ۴. ظروف برای عزت، کسانی هستند که با زیستن و گام برداشتن توسط روح، خدا را حرمت می‌نهند (غلاطیان ۵: ۱۶، ۲۵) و با خدمتگزاری روح به انسان‌ها، به آنها احترام می‌کنند (دوم قرنتیان ۳: ۶، ۸).
- چ. ما آفریده شدیم که ظروف رحمت برای جلال باشیم تا حاوی مسیح به عنوان خدای جلال باشیم:
۱. جلال خود خداست که ابراز و اظهار می‌شود - ارمیا ۲: ۱۱؛ اعمال ۷: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۷؛ اول قرنتیان ۲: ۸؛ اول پطرس ۴: ۱۴؛ کولسیان ۲: ۹؛ مزامیر ۲۴: ۷-۱۰.
  ۲. خداوند قادر بود به پدر بگوید، «من کاری را که به من سپردی، به کمال رساندم، و این گونه تو را بر روی زمین جلال دادم» (یوحنا ۱۷: ۴)؛ این بدین معناست که وقتی خداوند بر روی زمین زندگی می‌کرد، پدر را ظاهر ساخت و ابراز کرد.
  ۳. انتشار جلال الوهیت مسیح (لوقا ۱۲: ۴۹-۵۰) در رستاخیزش از طریق مرگ او، تجلیل او با جلال الهی توسط پدر بود (یوحنا ۱۲: ۲۳-۲۴)؛ مسیح در جلال یافتن خود، به عنوان آدم آخر، برای توزیع الهی خود، تبدیل به روح حیات بخش شد (یوحنا ۷: ۳۹؛ لوقا ۲۶: ۲۴، ۴۶؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۳: ۶).

۴. ما به عنوان ظروف رحمت برای غزت و جلال، از طریق تجلیل - آخرین مرحله نجات کامل خدا - توسط خدا برای جلال آماده شده‌ایم - رومیان ۸: ۲۱، ۲۳، ۲۹-۳۰؛ فیلیپیان ۳: ۲۱.
۵. خدا بر طبق اقتدار حاکمانه خود، خلق کرد، شکل داد و حتی ما را برای جلال خود ساخت - اشعیا ۴۳: ۷؛ رومیان ۹: ۲۳:
- (آ) ما با حاکمیت مطلق او، از پیش معین شدیم تا برای ابراز و اظهار پر جلالش ظروف او باشیم.
- (ب) این اوج سودمند بودن ما برای خداست - هدف گزینش خدا بر طبق مشیت او - آ. ۱۱، ۱۸.
- (پ) تجلیل خدا مقصود خدمت ماست - ۷: ۶؛ ۱۱: ۳۶.
- (ت) بالاترین خدمتی که می‌توانیم به خدا تقدیم کنیم، ابراز کردن او برای جلالش است - اول قرنطیان ۶: ۲۰؛ ۱۰: ۳۱؛ رومیان ۶: ۴.
- (ث) جلال خدا به درون کلیسا آورده شده، و او در کلیسا ابراز می‌شود؛ پس، بر خدا در کلیسا جلال است؛ یعنی خدا در کلیسا جلال می‌یابد - افسسیان ۳: ۱۶، ۲۰-۲۱.
۶. ما دارای این گنجینه هستیم، مسیح که خدای جلال است، در درون ما ظروف خاکی ساکن است (دوم قرنطیان ۴: ۷)؛ "این گنجینه" (آ. ۷) که در ما ساکن است همان "صورت عیسی مسیح" (آ. ۶)، حضور مسیح، "شخص مسیح" (۲: ۱۰) است.
۷. وقتی ما قلبمان را به سوی خدا بازمی‌گردانیم، بر خدای روح به عنوان حضور مسیح در روحمان، می‌نگریم، و «به صورت همان تصویر، از جلالی به جلال فزونتر دگرگون می‌شویم، و این از خداوند سرچشمه می‌گیرد که روح است» - ۳: ۱۶-۱۸؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲.
۸. نگرستن بر جلال خداوند این است که ما خودمان او را ببینیم؛ بازتاب کردن جلال خداوند این است که اجازه دهیم تا دیگران او را از طریق ما ببینند - اشعیا ۶۰: ۱؛ ۵.

## اصل یک بودن با خدا همانگونه که در کتاب ارمیا آشکار شده است

مطالعه متون مقدس: پیدایش ۲: ۸-۹؛ ۱۶-۱۷؛

ارمیا ۲: ۱۳؛ ۱۵؛ ۱۶، ۱۹؛ ۲۳؛ ۵-۶؛ ۳۱؛ ۳۱-۳۴؛ ۴۰؛ ۵-۶؛ ۱۳-۱۴

۱. خواست خدا برای این که با انسان یک بوده و انسان با او یک باشد می تواند در شباهت خدا و انسان در صورت و همانندی، دیده شود:

آ. در خلقت خدا، چیزی به نام «نوع بشر» توسط خدا خلق نشد؛ بلکه آنچه خدا خلق کرد، مطابق نوع خودش بود، یعنی نوع-خدا؛ خدا انسان را با روحی از نفس حیات خلق کرد تا انسان بتواند با او تماس داشته و او را دریافت کند - پیدایش ۱: ۲۴-۲۶؛ ۷: ۲.

ب. در پیدایش ۱۸: ۲-۱۳ سه نفر به ابراهیم ظاهر شدند؛ یکی از این افراد مسیح بود - یهوه - و آن دو نفر دیگر فرشته بودند (۱۹: ۱)؛ این بدین معناست که خدا دو هزار سال پیش از جسم پوشیدنش، وقتی که با دوست خود ابراهیم ملاقات کرد، به عنوان انسان ظاهر شد - دوم تواریخ ۲۰: ۷؛ اشعیا ۴۱: ۸؛ یعقوب ۲: ۲۳.

پ. فرشته یهوه (خدا، یهوه، مرد خدا - مسیح) قبل از جسم پوشیدن مسیح، به مانوخ و همسرش ظاهر شد - داوران ۱۳: ۳-۶، ۲۲-۲۳.

ت. دانیال قبل از جسم پوشیدن مسیح، بینشی از مسیح به عنوان پسر انسان را دید؛ بر طبق دانیال ۷: ۱۳-۱۴، دانیال پسر انسان را دید که با ابرهای آسمان می آمد، و او حتی نزد قدیم الایام - خدای ابدیت - رسید و او را به حضور وی آوردند؛ حکومت و جلال و پادشاهی به او داده شد، تا تمامی قومها و ملتها و زبانها او را خدمت کنند؛ حکومت او حکومتی است جاودانه و بی زوال، و پادشاهی او زایل نخواهد شد.

ث. آدم یک نماد، یک نشانه، از مسیح بود - رومیان ۵: ۱۴.

ج. مسیح صورت خدای نادیده است - کولسیان ۱: ۱۵.

چ. کلمه (خدا) جسم شد (یوحنا ۱: ۱۴)، به شباهت جسم گناه آمد (رومیان ۸: ۳) ولی دارای گناه جسم نبود (دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵).

ح. مسیح، که شکل خدا را دارد، شکل یک غلام را برگرفت، به شباهت انسان درآمد و در جسم پوشیدن خود، در سیمای بشری یافت شد - فیلیپیان ۲: ۶-۸.

خ. استیفان آسمانها را گشوده و پسر انسان - مسیح - را بر دست راست خدا دید (اعمال ۷: ۵۶)؛ این نشان می دهد که پس از صعود مسیح به آسمانها، او [مسیح] هنوز پسر انسان است (رجوع به سرود ۱۳۲).

د. در متی ۲۶: ۶۴ خداوند عیسی گفت: «پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته، بر ابرهای آسمان می آید»؛ این نشان می دهد که وقتی خداوند عیسی بازگردد، او هنوز پسر انسان خواهد بود.

ذ. در رومیان ۸: ۲۹ پولس به ما می گوید که کسانی که خدا آنها را از پیش می شناخت (ما ایمانداران)، همچنین از پیش معین فرمود تا همشکل صورت پسر او شوند، تا او بتواند نخست زاده از میان برادران بسیار باشد؛ توسط رستاخیزش که ما را برادران بسیار خود کرد، ما به نوعی جدید مبدل می شویم، «نوع خدا-انسان».

ر. دوم قرنتیان ۳: ۱۸ می گوید، «همه ما که با چهره بی نقاب، جلال خداوند را، چنانکه در آینه ای، می نگریم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فزونتر دگرگون می شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می گیرد که روح است»؛ رومیان ۱۲: ۲ از دگرگون شدن ما توسط نو شدن ذهن می گوید.

ز. فیلیپیان ۲: ۱۵ از بی پیرایه و بی آرایش بودن ما چون فرزندان بی عیب خدا در بین نسلی کج رو و منحرف، که در میانشان همچون ستارگان در این جهان می درخشیم، می گوید.

ژ. خداوند عیسی با نیرویی که وی را قادر می سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا همشکل بدن پر جلال او شود - فیلیپیان ۳: ۲۱.

س. وقتی مسیح ظهور کند، ما به طور کامل و مطلق مانند او خواهیم بود، چون او را چنانکه هست خواهیم دید

– اول یوحنا ۳: ۲ ب.

ش. همه این امور، در اورشلیم نو به کمال می رسد؛ مکاشفه ۴: ۳ می گوید: «آن تخت نشین [خدا]، ظاهری چون سنگ یشم داشت»، ظاهر خدا، همان تخت نشین، چون یشم است.

ص. بر طبق مکاشفه ۲۱، نور اورشلیم نو مانند گوهری بسیار گرانبهاست، همچون سنگ یشم (آ. ۱۱)؛ دیوار شهر از یشم ساخته شده بود، و پی اول دیوار نیز از یشم بود (آ. ۱۸، ۱۹):

۱. عاقبت، خدا و انسان، انسان و خدا، همه ظاهر یشم را خواهند داشت؛ پس پایان و تکامل کتاب مقدس، اورشلیم نو است – در هم آمیختن الوهیت با انسانیت؛ الوهیت تبدیل به محل سکونت انسانیت شده، و انسانیت خانه الوهیت می شود.

۲. در این شهر، جلال خدا در انسان به طور درخشان و پرشکوه ظاهر می شود؛ اکنون ما در مرحله الهی-شدن هستیم تا اورشلیم نو شده، و ظاهری یکسان با خدا داشته باشیم – ظاهر یشم (آ. ۱۱، ۲۳).

۳. در پایان این عصر، ما این حقیقت که خدا انسان شد تا انسان را خدا، مثل خودش در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، کند، را تعلیم و بشارت می هیم؛ شنیدن این حقیقت، برکتی بزرگ است.

۴. عاقبت، خدا-انسانها همان فاتحان، پیروزمندان، یعنی صهیون در درون اورشلیم، خواهند بود؛ داشتن یک زندگی خدا-انسان گونه در تمام جزئیات زندگی روزانه ما، موجب احیای نو خواهد شد که تاکنون هرگز در تاریخ دیده نشده است، و این احیا، به این عصر پایان خواهد داد – رجوع به مزامیر ۴۸: ۲ و زیرنویس ۱.

## ۲. کتاب ارمیا به ما اصل یک بودن با خدا را نشان می دهد:

آ. اصل یک بودن با خدا، که اصل درخت حیات بوده، و بر ضد اصل درخت دانش خوب و بد است، در ارمیا ۲: ۱۳ دیده می شود، که دو گناه اصلی مردم خدا را آشکار می کند:

۱. اولین گناه، ترک کردن خدا به عنوان سرچشمه، منشأ آب حیات [آب های زنده] بود؛ دومین گناه، کندن آب انبارهای ترک-خورده برای خودشان بود که آب را نگاه نتوانند داشت.

۲. اصل در کتاب مقدس این است که خدا نمی خواهد مردم برگزیده اش هیچ چیز غیر از خودش [خدا] را به عنوان منشأ خود بگیرند؛ با قرار دادن انسان در برابر درخت حیات، که نشانگر خدا به عنوان حیات است، خدا نشان داد که می خواهد انسان از درخت حیات، و نه از هیچ چیزی دیگر، برخوردار شود؛ برخوردار شدن از درخت حیات، این است که خدا را به عنوان یگانه منشأ خود بگیریم، به عنوان منشأ همه چیزمان – پیدایش ۲: ۸-۹.

۳. دومین گناه این بود که مردم خدا به خودشان و نه به خدا اعتماد داشتند که تمام سعی خود را بکنند تا کاری از طریق خودشان را برای لذت خود انجام دهند؛ گناه، ترک کردن خدا و کاری توسط خودمان و برای خودمان انجام دادن است.

۴. این دو گناه اصلی به ما درخت حیات، که نشانگر خدا، و درخت دانش خوب و بد، که نشانگر شیطان است را نشان می دهند (آ. ۸-۹، ۱۶-۱۷)؛ اسرائیل از درخت حیات به درخت دانش منحرف شد، یعنی از سرچشمه آب حیات به آب انبارها (بت ها).

ب. خدا انسان را در برابر درخت حیات قرار داد، این خواست او برای یکی شدن با انسان، یعنی حیات، تأمین حیات و همه چیز برای انسان بودن، را نشان می دهد – آ. ۸-۹:

۱. درخت حیات نشانگر مسیح مصلوب (که دلالت دارد بر دار یا تکه چوبی از درخت – اول پطرس ۲: ۲۴) و رستاخیز-کرده (که دلالت دارد بر حیات خدا – یوحنا ۱۱: ۲۵) است، یعنی مسیح، که تجسم تمام غنای خداست، به عنوان غذای ما.

۲. خوردن درخت حیات، یعنی مسرت بردن از مسیح به عنوان تأمین حیات ما، باید نخستین [مهمترین] مورد در زندگی کلیسایی ما باشد؛ دریافت مسیح توسط خوردن او این است که توسط در هم آمیختن به طور زنده و سوخت و سازی با مسیح، اجازه دهیم که او در درون وجودمان هضم گردد – مکاشفه ۲: ۷؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳:

- (آ) سخنانی که خداوند می‌گوید روح و حیات هستند؛ این نشان می‌دهد که کلام سخن گفته-شده خداوند، تجسم آن روح حیات هستند - آ. ۶۳:
- (۱) او اکنون آن روح حیات بخش در رستاخیز است (اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵)، و آن روح، در کلام او تجسم یافته است.
- (۲) وقتی که ما کلام او را به وسیله همه نوع دعا و درخواست، توسط بکار بردن روحمان، دریافت می‌کنیم، روح، که حیات است، را دریافت می‌نماییم.
- (ب) خوردن مسیح همان خوردن کلام اوست، یعنی دریافت کلام او، که تجسم روح حیات می‌باشد، توسط بکار بردن روحمان - ارمیا ۱۵: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ اول پطرس ۲: ۲؛ عبرانیان ۵: ۱۳-۱۴؛ حزقیال ۳: ۱-۴.

### ۳. برای برگرفتن، دریافت کردن، و نگاه داشتن کلام خدا، ما باید به طور مطلق با او یک باشیم:

- آ. شرح حال جدلیا، سرگذشت شخصی است که با خدا یک نبود؛ گرچه جدلیا در مراقبت از ارمیا، نبی خدا، امین بود ولی جویای کلام خدا نبود، زیرا این عادت او نبود - ارمیا ۴۰: ۵-۶، ۱۳-۱۴:
۱. جدلیا خدا را به عنوان منشأ خود برنگرفت تا با او یک بوده، و هرآنچه از او صادر می‌شد را دریافت کند؛ اگر او شخصی می‌بود که با خدا یک بود، اولین کاری که می‌کرد این بود که کلام خدا را دریافت نماید.
  ۲. ما برای برگرفتن، دریافت کردن، و نگاه داشتن کلام خدا به عنوان ابراز اندیشه، اراده، خواسته قلبی، و خشنودی خدا، باید به طور مطلق با خدا یک باشیم، به او اعتماد کنیم، بر او تکیه نماییم، و دارای هیچ عقیده‌ای که حاصل نفس است نباشیم - دوم قرن‌تین ۱: ۸-۹؛ آ ۱۲، زیرنویس ۲.
  ۳. اصل در کتاب مقدس، بخصوص در عهد جدید، این است که خدا خودش را به ما باز می‌کند تا ما بتوانیم در او وارد شده، او را دریافت کنیم، و با او یک شویم؛ سپس او در ما بوده، ما در او خواهیم بود، و او را به عنوان همه چیزمان بر می‌گیریم - یوحنا ۱۵: ۴-۵؛ اول یوحنا ۲: ۲۸؛ ۲۴: ۳.
  ۴. اولین موردی که برخوایم گرفت، کلام او به جهت ابراز اندیشه، اراده، خواسته قلبی و خشنودی اوست؛ ما به عقاید یا ترجیحات خود اهمیت نخواهیم داد؛ ما از این طریق، برای بیان کردن او به دیگران به جهت تأمین ایشان، تبدیل به دهان او می‌شویم - ارمیا ۱: ۶-۹.
- ب. خداوند به ارمیا گفت: «اگر از نفایس سخن بگویی و نه از چیزهای باطل، / مانند دهان من خواهی بود» - ۱۹: ۱۵:

۱. لازم است چشم دل ما روشن شود تا برتری، برجستگی عالی، ارزش فوق العاده مسیح را به عنوان آن محبوب ارزشمند برای ایماندارانش ببینیم تا مسیح را به دست آوریم، و همه چیزهای دیگر غیر از مسیح را زیان بدانیم - فیلیپیان ۳: ۷-۸؛ اول پطرس ۲: ۷؛ آ. ۴، ۶.
۲. ما باید برای کلام خداوند بیش از غذای اختصاصی خود ارزش قائل شویم، خداوند را به عنوان واقعیت سرزمین نیکو که با شیر مغذی و غسل تازه جاری است، در کلامش بچشمیم برای توزیع به مردم خدا به جهت نجات کامل آنان - ایوب ۲۳: ۱۲؛ اول پطرس ۲: ۲-۵؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۰۳.
۳. ما باید ارزش کلام خداوند را بیشتر از تمام ثروت‌های زمینی بدانیم تا بتوانیم برای توزیع غنای کاوش ناپذیر مسیح به عنوان فیض گوناگون به همه مقدسین، وحی خدا را بگوییم (سخن گفتن خدا، بیان خدا، که مکاشفه الهی را نقل می‌کند) - مزامیر ۱۱۹: ۷۲، ۹-۱۶؛ افسسیان ۳: ۸؛ دوم قرن‌تین ۶: ۱۰؛ اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱.

۴. رمز شکست‌ها و باخت‌های اسرائیل این بود که آنها حضور خدا را از دست داده، و دیگر با خدا یک نبودند (یوشع ۷: ۳-۴؛ ۹: ۱۴)؛ ما باید همیشه با خدایمان، که نه تنها در بین ما بلکه در ما است، یک باشیم، این ما را افراد با خدا می‌سازد - خدا-انسان‌ها:

- آ. ما به عنوان خدا-انسان‌ها باید یک بودن با خداوند را تمرین کنیم، با او راه رویم، او را زیست کنیم، و با همه وجودمان با او باشیم (رومیان ۸: ۴؛ دوم قرن‌تین ۲: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۶، ۲۵)؛ این راه قدم برداشتن به عنوان

یک مسیحی، جنگیدن به عنوان فرزند خدا، و بناساختن بدن مسیح است؛ اگر ما حضور خدا را داریم و با او یک هستیم، حکمت، بصیرت، پیش‌بینی، و شناخت درونی دربارهٔ امور داریم؛ حضور خداوند برای ما همه چیز است.

ب. سماجت فرزندان اسرائیل در گناه ورزیدن بر ضد خدا، به دلیل یک نبودن آنها با خدا بود (ارمیا ۴۲: ۱-۲: ۴۳)؛ اگر آنها با خدا یک می‌بودند، کلام خدا را دریافت کرده، قلب، ذات، ذهن و مقصود خدا را می‌شناختند؛ علاوه بر این، آنها خودبخود او را زیست کرده و با او ترکیب می‌شدند تا شهادت او بر روی زمین باشند.

پ. کسانی که با خدا یک نیستند ارادهٔ نیکوی او را بر نمی‌گیرند ولی عقاید خود را ابراز کرده و ترجیحات خود را دنبال می‌کنند؛ این کار به معنای ترک خدا به عنوان منشأ، سرچشمهٔ آب حیات، و کندن آب‌انبارهای ترک خورده که آب را نگاه نتوانند داشت، است - ۲: ۱۳.

۵. ما برای یک بودن با خدا، به مسیح به عنوان شاخهٔ داوود نیاز داریم تا بازخرید و عادل شمرده شدن ما باشد؛ این، خدای سه‌یکتا را به درون ما می‌آورد تا حیات، قانون درونی حیات، ظرفیت و همه چیز برای ما باشد تا خودش را به درون وجودمان به جهت اجرای اقتصادش توزیع کند؛ این عهد جدید است (۳۱: ۳۳)؛ عاقبت، ما خدا را شناخته، زیست خواهیم کرد، و خدا در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، خواهیم شد، تا به عنوان اورشلیم نو ابراز جمعی او شویم - ۲۳: ۵-۶؛ ۳۱: ۳۱-۳۴؛ مکاشفه ۲: ۲۱.



## پیام هفتم

### شناخت یهوه، خدای جاودان، در محبت، شفقت، و وفاداری او

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۲: ۱۹؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۲: ۲۰؛ مراثی ۳: ۲۲-۲۵؛ ۵: ۱۹

#### ۱. ارمیا اغلب خدا را به عنوان یهوه خداوند لشکرها خطاب می کرد:

آ. «اما یهوه خدای حقیقی است؛ / اوست خدای زنده و پادشاه جاودان» - ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰:

۱. «یهوه» یعنی «هستم آن که هستم»، نشانگر این که یهوه آن فرد جاودان است، همان کسی که در گذشته

بود، اکنون هست، و در آینده تا ابد خواهد بود - خروج ۳: ۱۴؛ ۴: ۱:

(آ) یهوه خدای خود-موجود [واجب الوجود] و همیشه-موجود است؛ او دارای وجودی جاودان است

که نه آغاز و نه پایان دارد - خروج ۳: ۱۴.

(ب) «هستم» دلالت دارد بر آن کسی که وجودش به هیچ چیز دیگر غیر از خودش بستگی ندارد - یوحنا

۸: ۲۴، ۲۸، ۵۸.

۲. یهوه تنها کسی است که هست، و ما باید ایمان داشته باشیم که او هست - عبرانیان ۱۱: ۲۶.

۳. یهوه به عنوان هستم، همان شامل تمام یعنی واقعیت چیزهای مثبت و هرآنچه مردم او بدان نیاز دارند

است - یوحنا ۶: ۳۵؛ ۸: ۱۲؛ ۱۰: ۱۴؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۶.

۴. جدا از یهوه، بقیه هیچ است؛ او تنها کسی است که هست، تنها کسی که موجودیت واقعی دارد - عبرانیان

۱۱: ۶.

ب. «ای [یهوه] خداوند لشکرها و ای داور عادل / که آزماینده دل و ذهنی» - ارمیا ۱۱: ۲۰:

۱. عنوان «خداوند لشکرها» نشان می دهد که یهوه خداوند، قادر مطلق است، خدای لشکر آسمان، سردار

کل آن لشکر - ۲۰: ۱۲؛ اول پادشاهان ۲۲: ۱۹.

۲. خداوند لشکرها، شاه جلال است، همان کسی که قوی و تواناست؛ او خداوند ارتش هاست - مزامیر ۲۴:

۸، ۱۰.

۳. شاه جلال، خداوند لشکرها، همان خدای سه یکتای کامل است که در مسیح پیروزمند، که بزودی می آید،

تجسم شده است.

۴. به عنوان مسیح جسم پوشیده، مصلوب شده، و رستایز کرده، آن شاه جلال می آید تا زمین را تصرف

کرده و آن را به عنوان پادشاهی خود برگیرد:

(آ) خداوند لشکرها جنگها را تا کرانهای زمین پایان می بخشد؛ او در بین امتهای تمجید خواهد شد، و او

بر روی زمین تمجید خواهد شد - مزامیر ۴۶: ۹-۱۰.

(ب) خداوند لشکرها اقتدار دارد که بر همه امتهای حکم براند، و اقتدار عزل و نصب پادشاهان در دست

اوست - دانیال ۲: ۲۱.

۵. در زمانی که کهنات تهی شده بود، خدا نام خود را به عنوان خداوند لشکرها آشکار کرد، این نشان می دهد

که وقتی حکومت او حالتی تهی داشت، او می آمد تا بر کل وضعیت حکم براند تا فرمانروایی پادشاهی

خود را بیاورد - اول سموئیل ۱: ۳.

۲. «تو، ای خداوند، تا ابد سلطنت می کنی [تا ابد می مانی]؛ / تخت تو نسل اندر نسل برقرار خواهد بود» - مراثی

۵: ۱۹:

آ. ارمیا در باب ۱۹، جایگاه و زاویه اش را از خود به خدا تغییر داد، و این به وجود و دولت جاودان خدا اشاره دارد.

ب. اورشلیم واژگون شد، معبد سوزانیده شد، و مردم خدا دور شدند، ولی یهوه، خداوند عالم، برجاست تا حکومت

خود را بکار برد.

پ. عبارت «ای خداوند، تا ابد سلطنت می کنی» نشان می دهد که خدا جاودان است و هیچ تغییری در او نیست

- آ. ۱۹:

۱. خدا دگرگون نشدنی می‌ماند، و تحت هیچ محیط و شرایطی تغییر نمی‌کند - مزامیر ۹۰: ۲؛ رومیان ۱۶: ۲۶-۲۵.

۲. در قلمرو انسانی تغییرات از هر جهت رخ می‌دهند، ولی در وجود جاودان خدا هیچ تغییری نیست؛ او همیشه یکسان باقی می‌ماند.

۳. ابراهیم «نام خداوند، خدای سرمدی، را خواند» - پیدایش ۲۱: ۳۳:

(آ) به عبرانی «خدای سرمدی» «إل اولام» است؛ «إل» یعنی «آن فرد مقتدر» و «اولالم» یعنی «جاودان [سرمدی]» یا «ابدیت» و از ریشهٔ عبرانی به معنای «پوشاندن» یا «پنهان کردن» می‌آید.

(ب) عنوان الهی «إل اولام» دلالت دارد بر حیات جاودان - مقایسه با یوحنا ۱: ۱، ۴.

(پ) ابراهیم با خواندن نام یهوه، آن فرد مقتدر جاودان، خدا را به عنوان آن همیشه زنده، آن فرد مرموز و اسرار آمیز که حیات جاودان است، تجربه کرد.

ت. عبارت «تخت تو نسل اندر نسل برقرار خواهد بود»، به دولت جاودان و تغییر ناپذیر خدا اشاره دارد - مراثی ۵: ۱۹؛ مزامیر ۴۵: ۴؛ ۹۳: ۲؛ مکاشفه ۴: ۳-۲:

۱. تخت خدا آغاز یا پایانی ندارد؛ تخت او نسل اندر نسل وجود دارد.

۲. نوشتهٔ ارمیا در پایان مراثی درباره وجود جاودان و دولت تغییر ناپذیر خدا، به یقین الهی است:

(آ) سخن ارمیا درباره وجود جاودان خدا و تخت او، یک نشانهٔ قوی است از این که ارمیا در نوشتن مراثی، اقتصاد خدا را لمس کرد.

(ب) او از احساسات انسانی خود خارج شد، شخص خدا و تخت خدا را لمس کرد، و در الوهیت خدا وارد شد.

ث. در اورشلیم نو شخص خدا به عنوان شاه سرمدی، و دولت خدا به عنوان پادشاهی جاودان و لغزش ناپذیر، که هردو بنیاد لغزش ناپذیر رسیدگی او به مردمش است، کاملاً فاش خواهد شد - عبرانیان ۱۲: ۲۸؛ مکاشفه ۲۲: ۳.

۳. «محبتهای [مهربانی‌های محبت‌آمیز] خداوند هرگز پایان نمی‌پذیرد [از محبتهای خداوند است که تلف نشده-ایم]، / زیرا که [شفقت‌های] او بی‌زوال است؛ / آنها هر بامداد تازه می‌شود؛ / وفاداری تو عظیم است» - مراثی ۳: ۲۲-۲۳:

آ. یهوه به ارمیا ظاهر شده، گفت: «تو را به محبت جذب کردم» - ارمیا ۳۱: ۳:

۱. محبت یهوه ارزشمند، همیشگی، و بالاتر از آسمانها بوده و به مسیح به عنوان سنگ زاویه برای بنای خدا منجر می‌شود - مزامیر ۳۶: ۷، ۹-۱۰؛ ۱۰۸: ۴؛ ۱۱۸: ۱-۴، ۲۲-۲۹؛ ۱۳۶: ۱، ۲۶.

۲. مزامیر ۱۰۳ از تاریخ خدا در محبت و شفقت او در بخشش گناهان، شفا، بازخرید، و مراقبت او از مردمش، می‌گوید.

۳. سراینده به یهوه گفت: «من از کثرت محبت تو / به خانه‌ات درخواهم آمد» - ۷: ۵:

(آ) هرکسی که افتخار ورود به معبد در صهیون را داشت، باید تحت محبت خدا می‌بود.

(ب) در واقع، ورود به درون معبد، خودش یک مسرت از وفور محبت خدا بود.

(پ) بررسی محبت خدا در وسط معبد او، نشان می‌دهد که ما محبت او را در کلیسا لمس می‌کنیم.

۴. مزبور ۱۰۱ نشان می‌دهد که مسیح چگونه با محبت و عدل خود، بر زمین حکمرانی خواهد کرد.

ب. مردم اسرائیل شکست خورده بودند، ولی شفقت‌های خدا باقیماندگان اسرائیل را برای اجرای اقتصاد خدا، حفظ کرد - مراثی ۳: ۲۲-۲۳:

۱. شفقت، عمیق تر، لطیف تر، و غنی تر از رحمت است - رومیان ۹: ۱۵؛ مزامیر ۱۰۳: ۸.

۲. شفقت، به عاطفهٔ درونی خدا در جوهرِ با محبت او اشاره دارد - دوم قرنتیان ۱: ۳؛ یعقوب ۵: ۱۱؛ لوقا ۶: ۳۶.

۳. مسیح به خاطر شفقت‌های رحیم خداوند، بر روی زمین آمد - ۷۸: ۱.

۴. شفقت‌های یهوه «هر بامداد تازه می شود» - مراثی ۳: ۲۳:

(آ) آیه ۲۳ نشان می دهد که ارمیا هر بامداد با خدا به عنوان آن فرد شفیق، تماس برقرار می کرد.

(ب) از طریق تماس او با خداوند بود که او آن کلام درباره محبت، شفقت‌ها، و وفاداری خدا را دریافت کرد.

پ. ارمیا به یهوه گفت: «وفاداری تو عظیم است» - آ ۲۳ ب

۱. شفقت‌های خدا بی‌زوال است، زیرا او وفادار است - مزامیر ۵۷: ۱۰.

۲. خدا به کلام خود امین است؛ او نمی تواند خود را انکار نماید؛ او نمی تواند ذات و وجودش را انکار کند - اول تیموتائوس ۲: ۱۳.

۳. خدا در وفاداری خود، ما را به مشارکت با پسرش فراخوانده، و او در وفاداری خود، ما را در این اشتراک و مسرت حفظ خواهد کرد - اول قرنتیان ۱: ۹.

۴. خدای امین که ما را فرا خوانده است، همچنین ما را به تمامی تقدیس کرده و کل وجودمان را کاملاً محفوظ می دارد - اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴.

۴. «جان من می گوید خداوند نصیب من است، / پس بر او امید خواهم بست» - مراثی ۳: ۲۴:

آ. سخن ارمیا درباره یهوه نصیب ما، و امید بستن ما در او، طعم عهد جدید را دارد - کولسیان ۱: ۱۲، ۲۷:

۱. ارمیا از یهوه به عنوان نصیب خود لذت می بُرد، و او امیدش را نه در خود و نه در هیچ چیزی دیگر غیر از یهوه، بست - مراثی ۳: ۲۴:

(آ) از یک سو، ارمیا دریافت که خدا، خدای محبت بوده و شفیق است، و کلام او وفادار می باشد.

(ب) از سوی دیگر، ارمیا دریافت که او هنوز می‌بایست هر صبح با خداوند تماس برقرار کرده، تمام امیدش را در او بگذارد، منتظر او باشد، و نام او را فراخواند - آ. ۲۳-۲۵، ۵۵.

۲. وقتی که سراینده به درون قدس خدا داخل شد، نگرش و درکی الهی از وضعیت خود یافت، او می توانست بگوید که خدا برای همیشه نصیب او بود - مزامیر ۷۳: ۱۷، ۲۶:

(آ) سراینده در قدس خدا دستور یافت تا فقط خود خدا و نه هیچ چیز دیگر غیر از او را به عنوان نصیب خود برگیرد - آ. ۲۶.

(ب) قصد خدا با جویندگانش این است که آنها همه چیز را در او یابند و از مسرت مطلق او منحرف نشوند.

ب. «خداوند [یهوه] برای منتظران خود نیکوست، / و برای هر که او را بجوید» - مراثی ۳: ۲۵:

۱. گرچه خدا راستین، زنده، شفیق، و وفادار است، او برای آزمودن مردمش، اغلب در به انجام رساندن کلامش تأخیر می کند - مزامیر ۲۷: ۱۴؛ ۱۳۰: ۶؛ اشعیا ۸: ۱۷؛ ۳۰: ۱۸؛ ۶۴: ۴.

۲. منتظر بودن برای خدای جاودان بدین معناست که ما به خودمان خاتمه دهیم، یعنی، خودمان را در زیستنمان، کارکردنمان، و فعالیتیمان متوقف کرده و خدا در مسیح را به عنوان حیات، شخص و جایگزین خود برگیریم - ۴۰: ۲۸؛ ۳۱:

(آ) ما باید درس صبر کردن یا منتظر بودن برای خدا را بیاموزیم - ۳۰: ۱۸.

(ب) امروز زمان کمالِ نهایی نیست؛ پس ما باید برای خداوند منتظر باشیم - ۴: ۶۴.

۳. ما همان گونه که برای خداوند منتظریم، باید جویای او بوده و او را بخوانیم:

(آ) «آنگاه که مرا بجوید، مرا خواهید یافت؛ اگر مرا به تمامی دل خود بجوید» - ارمیا ۲۹: ۱۳.

(ب) «مرا بخوان که تو را اجابت خواهم خواهم کرد و تو را از چیزهای عظیم و مخفی که ندانسته‌ای، آگاه خواهم ساخت» - ۳۳: ۳.

## اقتصاد خدا با توزیع او در کتاب ارمیا

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۲: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۷: ۷-۸، ۱۹-۲۷؛

۲۳: ۵-۶؛ ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲

۱. ارمیا ۱۷: ۷-۸، می گوید، «اما مبارک است آن که بر خداوند توکل کند، و اعتمادش بر او باشد. او همچون درختی نشانده در کنار آب خواهد بود، که ریشه‌های خویش را به جانب نهر می‌گستراند؛ چون فصل گرما فرا رسد، هراسان نخواهد شد و برگ‌هایش همیشه سبز خواهد ماند؛ در خشکسالی نیز نگران نخواهد بود، و از ثمر آوردن باز نخواهد ایستاد»:

آ. این آیه‌ها را می‌توان به دو روش متفاوت درک کرد - بر طبق درک طبیعی یا بر طبق اقتصاد خدا؛ این آیه‌ها به موضوع سطحی اعتماد بر خدا برای دریافت برکات مادی مربوط نمی‌شوند؛ در واقع، این آیه‌ها، به اقتصاد خدا که توسط توزیع او اجرا می‌شود، اشاره دارد:

۱. این مکاشفه آشکار می‌سازد که بر طبق اقتصاد خدا، کسی که بر خدا اعتماد کند، مانند درختی است که در کنار آب نشانده شده، که نشانگر خدا به عنوان چشمه آب حیات [زنده] است (۲: ۱۳)؛ ما نه تنها بر خدا اعتماد داریم، بلکه خدا خودش اعتماد ما بر اوست.

۲. آن درخت در کنار آب توسط جذب همه غنای آب به درون خود رشد می‌کند؛ این تصویری از توزیع خداست؛ برای دریافت توزیع الهی، ما به عنوان درختان باید خدا را به عنوان آب حیات جذب کنیم تا به درون وجود ما توزیع شود تا همان ساختار ما گردد.

ب. اندیشه در اینجا همان است که در اول قرن‌تین ۳: ۶، وجود دارد، آنجا که پولس می‌گوید، «من بذر را کاشتم، آپولس آن را آبیاری کرد، اما خدا بود که موجب رویش آن شد»؛ آبیاری برای جذب شدن توسط درخت است، و جذب کردن، دریافت توزیع خداست:

۱. درخت با خدا، به عنوان تأمین‌کننده و تأمین، رشد می‌کند؛ تأمین، غنای خدای تأمین‌کننده است که به درون ما که همان درختان هستیم، توزیع می‌شود تا بتوانیم به اندازه خدا رشد کنیم؛ عاقبت، درختان و خدا، خدا و درختان یک می‌شوند، با داشتن عنصر، جوهر، ساختار، و ظاهر یکسان - کولسیان ۲: ۱۹.

۲. ما همه باید اهمیت حیاتی جذب کردن خدا را به عنوان آب حیات ببینیم تا بتوانیم با عنصر و جوهر او ترکیب شویم و با رشد خدا، رشد کنیم؛ جایی که کمبود رشد در حیات باشد، زندگی مسیحی ایمانداران آشفته خواهد بود، زندگی کلیسای لطمه خواهد دید، و زندگی بدن تباه خواهد شد.

۳. به منظور رشد در حیات برای بناسازی بدن مسیح، ما باید از طریق به پایین ریشه زدن و به بالا میوه آوردن، خدا را جذب کنیم (اشعیا ۳۷: ۳۱)؛ این بدان معناست که ما باید زمانهای مشارکت در نهان با خدا داشته باشیم (متی ۶: ۶؛ ۱۴: ۲۲-۲۳)؛ برای یک مسیحی، قوت گرفتن، روشن شدن، مسرت بردن از آسایش، شاد بودن، ایمان داشتن، حل کردن مشکلات، پیروز شدن در آزمون‌ها، وسوسه‌ها، و سختی-ها، و تسلی داشتن، جملگی بستگی دارد به مشارکت نهان او با خدا از طریق دعا و کلام خدا (دانیال ۶: ۱۰؛ کولسیان ۴: ۲؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۴-۱۷).

۲. در ارمیا ۱۷: ۱۹-۲۷، کلامی درباره نگاه داشتن شَبَّات [سَبْت] خدا داریم؛ راه نگاه داشتن شَبَّات خدا، مسرت بردن از او، آسایش در او، و سیراب شدن از او به عنوان سرچشمه آب حیات است - ۲: ۱۳:

آ. در خروج ۳۱: ۱۷-۱۲، پس از گزارشی طولانی درباره بناسازی محل سکونت خدا، فرمان نگاه داشتن شَبَّات تکرار می‌شود؛ بر طبق کولسیان ۲: ۱۶-۱۷ و متی ۱۱: ۲۸-۳۰، مسیح، واقعیت آسایش شَبَّات است - عبرانیان ۴: ۷-۹؛ اشعیا ۳۰: ۱۵:

۱. اگر صرفاً بدانیم چطور برای خداوند کار کنیم اما ندانیم چطور با او استراحت کنیم، بر خلاف اصل الهی عمل می‌کنیم:

(آ) خدا در روز هفتم بیاسود، زیرا او کار خود را به پایان رسانده و خشنود بود؛ جلال خدا ظاهر شده بود، چون انسان صورت او، و اقتدار او را داشت، و قرار بود که برای مغلوب کردن دشمن او، شیطان، بکار بسته شود؛ تا وقتی که انسان خدا را ابراز کند و با دشمن خدا مقابله کند، خدا خشنود است و می تواند بیاساید - پیدایش ۱: ۲۶، ۳۱: ۲؛ ۲-۱.

(ب) کمی بعد، روز هفتم به عنوان روز شَبّات برای یادبود تعیین شد (خروج ۲۰: ۸-۱۱)؛ روز هفتم خدا، روز نخستِ انسان بود؛ پس از آنکه انسان آفریده شد، او در کار خدا شراکت نکرد؛ او به آسایش خدا وارد شد.

۲. انسان آفریده شد، نه برای آنکه نخست کار کند، بلکه برای آنکه ابتدا با خدا راضی شود و با خدا بیاساید؛ از سوی خدا، کار و آسایش است؛ اما در جانب انسان، آسایش و کار؛ این یک اصل الهی است که پس از مسرتی کامل از خدا، ما می توانیم همراه با او کار کنیم - م.ش. متی ۱۱: ۲۸-۳۰.

(آ) اگر ندانیم چطور از خود خدا مسرت ببریم و چطور با خدا پر شویم، نخواهیم دانست چطور با او کار کنیم و در کار الهی او با وی یک شویم؛ انسان از آنچه خدا در کارش به انجام رسانده، مسرت می برد.

(ب) در روز پنتیکاست، شاگردان از روح پر شده بودند، که یعنی، آنها با مسرت از مسیح به عنوان آن شراب آسمانی پر شده بودند؛ فقط وقتی که آنها با این مسرت پر شدند، کار با خدا را در یگانگی با او آغاز کردند - اعمال ۲: ۴۲، ۱۲-۱۴.

ب. ما، به عنوان مردم خدا، باید نشانه‌ای داشته باشیم که اول با خدا استراحت می کنیم، از خدا مسرت می ببریم، و از خدا پر می شویم، سپس با همان که ما را پر می سازد، کار می کنیم؛ علاوه بر این، ما نه تنها با خدا کار می کنیم، بلکه همچنین توسط یک بودن با خدا کار می کنیم، در حالی که او را به عنوان قوّت برای کار کردن، و انرژی خود برای زحمت کشیدن، داریم - خروج ۳۱: ۱۳، ۱۷.

پ. در زندگی کلیسایی، شاید ما بدون آنکه ابتدا از خداوند مسرت ببریم، و بی آنکه خداوند را توسط یک بودن با خداوند خدمت کنیم، کارهای بسیاری انجام دهیم؛ این نوع خدمت منجر به مرگ روحانی و از دست دادن مشارکت در بدن می شود - آ. ۱۴-۱۵.

ت. کار خداوند برای بناسازی کلیسا باید با مسرت بردن از خدا آغاز شود، این نشان می دهد که ما نه با قوّت خودمان، بلکه با مسرت بردن از او و یک بودن با او کار می کنیم؛ این نگاه داشتن اصل شَبّات با مسیح به عنوان آسایش درونی در روحمان است - اول قرنطیان ۳: ۹؛ ۱۵: ۵۸؛ ۱۶: ۱۰؛ دوم قرنطیان ۶: ۱۱. آ.

۳. کتاب ارمیا، خلاصه‌ای از تمام کتاب مقدس است؛ نبوت ارمیا نشان می دهد که فقط مسیح می تواند اقتصاد خدا را تحقق دهد و فقط مسیح، پاسخ به الزامات خدا در اقتصادش است؛ آنچه که توسط ارمیا به تصویر کشیده شده، نشان می دهد که ما هیچ هستیم و مسیح برای ما همه چیز است:

آ. ارمیا، در تحقق دادن به اقتصاد خدا، از مسیح که عدالت و بازخريد ماست (۲۳: ۵-۶)، از خدا که سرچشمه آب حیات است (۲: ۱۳)، از مسیح که غذای ماست (۱۵: ۱۶)، و از مسیح به عنوان واقعیت عهد جدید با همه برکاتش، سخن می گوید (۳۱: ۳۴-۳۱؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲):

۱. از یک سو، می توان گفت، عهد جدید، که محتوا و ماهیت اقتصاد خداست، با اقتصاد خدا هم معنی است - ارمیا ۳۱: ۳۴-۳۱؛ ایوب ۱۰: ۱۳؛ م.ش. افسسیان ۳: ۹:

(آ) همهٔ اقلام اصلی عهد جدید، محتوای اقتصاد خدا و توزیع او با بازخريد قضایی و نجات زندهٔ او هستند تا ما را برای بناسازی بدن مسیح که در اورشلیم نو به کمال می رسد، الهی سازند.

(ب) خدمتگزاری رسولان، خدمتگزاری برای اقتصاد عهد جدید خداست؛ این خدمتگزاری عهد جدید است که بر اقتصاد خدا متمرکز شده است - اول تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ م.ش. دوم قرنطیان ۳: ۳، ۶.

۲. از سوی دیگر، می توان گفت که عهد جدید، راهی است که خدا اقتصاد خود را تحقق می بخشد، یا به

انجام می‌رساند؛ دوم قرن‌تیان آشکار می‌کند که خدمتگزاری عهد جدید برای به انجام رساندن اقتصاد جاودان خداست - ۲: ۱۲-۴: ۱.

ب. مسیح، واقعیت وصیت جدید، عهد جدید، است؛ واقعیت هرآنچه خدا هست و هرآنچه خدا به ما داده است؛ بنابراین، مسیح، عهد جدید است:

۱. میراث بسیار است، اما همه این میراث بسیار در واقع یک شخص است - مسیح روح - اشعیا ۴۲: ۶؛ ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲؛ یوحنا ۲۰: ۲۲؛ افسسیان ۳: ۸.

۲. میراثی که توسط خداوند در عهد جدید به ما به ارث رسیده، بی پایان است، و برای ماست تا آنها را توسط آن روح تا ابد تجربه کنیم و از آنها مسرت ببریم - عبرانیان ۹: ۱۵.

۳. ما باید توسط گام برداشتن در راه عهد جدید که متمرکز بر اقتصاد خداست، راه‌های باستان پدران خود [روحانی] را طی کنیم، راهی که به حیات منجر می‌شود؛ جاده‌های فرعی [پرت]، راه‌های دسیسه شیطان بر طبق حیل‌های ابلیس هستند که به هلاکت می‌انجامند؛ رفتن در جاده‌های فرعی به طرف پایین رفتن است، اما برگرفتن راه‌های باستان، راهی که بلند کرده شده، به طرف بالا رفتن است - ارمیا ۱۸: ۱۵؛ م. ش. متی ۷: ۱۳-۱۴.

۴. در عهد جدید، عهد جاودان، خدا به ما یک قلب و یک راه [طریق] می‌دهد (ارمیا ۳۲-۳۹-۴۱)؛ آن یک قلب، قلبی برای عشق به خدا، جویای خدا بودن، خدا را زیستن، و با خدا ترکیب شدن است تا ما بتوانیم ابراز او باشیم؛ آن یک راه، خود خدای سه‌یکتاست به عنوان قانون درونی حیات با ظرفیت الهی آن (۳۱: ۳۳-۴۴)؛ این یک قلب و یک راه، یکدلی است (اعمال ۱: ۱۴؛ ۲: ۳۶؛ ۴: ۲۴؛ رومیان ۱۵: ۶).

پ. مسیح، به عنوان آن صعود کرده که بر تخت در آسمانها نشسته، اکنون در حال اجرای عهد جدیدی است که به عنوان یک وصیت برای ما به ارث گذاشته، در حالی که برای ما شفاعت کرده، و به ما خدمتگزاری می‌کند تا ما بتوانیم همه میراثی را که در عهد جدید وجود دارد، دریابیم، تجربه کنیم، و از آنها مسرت ببریم - عبرانیان ۱۲: ۲؛ ۷: ۲۵؛ ۸: ۱-۲.

۱. وصیت جدید، عهد جدید، آن وصیت نامه، توسط مرگ مسیح رسمی شده و توسط مسیح در رستاخیز و صعودش به اجرا گذاشته شده و در حال انجام است.

۲. عهد جدید به عنوان وصیت جدید به ما به ارث رسیده است و اکنون، در قلمرو اسرارآمیز خدمتگزاری آسمانی او، مسیح آنچه را به ارث گذاشته، اجرا می‌کند.

۳. اکنون مسیح در آسمانها، زنده، الهی و تواناست؛ او قادر است که وصیت جدید، عهد جدید را، به تفصیل اجرا کند و هر میراثی را که در آن است برای ما مهیا و واقعی سازد:

(آ) مسیح به عنوان آن کاهن اعظم الهی توسط شفاعت برای ما، عهد جدید را اجرا می‌کند، او دعا می‌کند که ما به واقعیت عهد جدید آورده شویم - ۷: ۲۵.

(ب) مسیح به عنوان میانجی، مجری عهد جدید در خدمت آسمانی خود، در حال اجرای وصیت جدید است و هر جزء از میراثش را در ما تحقق می‌بخشد - ۸: ۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴.

(پ) مسیح به عنوان تضمین عهد جدید، آن بیعانه است که همه چیز در عهد جدید تحقق خواهد یافت؛ او تأثیر وصیت جدید را تضمین می‌کند و درباره آن اطمینان می‌بخشد - ۷: ۲۲.

(ت) مسیح به عنوان خدمتگزار مسکن (آسمانی) حقیقی، با میراث، برکت عهد جدید، به ما خدمت می‌کند، و واقعیت‌های عهد جدید را در تجربه ما به عمل می‌آورد - ۸: ۲.

(ث) مسیح به عنوان آن شبان اعظم گوسفندان، توسط شبانی کردن خود، اورشلیم نو را بر طبق عهد جاودان خدا تکمیل می‌کند - ۱۳: ۲۰.

ت. اگر بخواهیم کاربرد همه برکات موجود در عهد جدید را دریافت کنیم، باید کسانی باشیم که به خدمتگزاری آسمانی مسیح پاسخ دهیم - ۱۲: ۱-۲؛ کولسیان ۳: ۱.

۱. خدمتگزاری مسیح در آسمان برای اجرای عهد جدید، نیازمند واکنش ماست - عبرانیان ۷: ۲۵؛ ۴: ۱۶؛ ۱۹: ۲۲.

(آ) برای قرن‌ها مسیح سعی کرده تا گروهی از مردم را برای واکنش به خدمتگزاری خود در آسمان‌ها جذب کند، بی آنکه موفقیت کافی کسب کرده باشد.

(ب) توسط رحمت و فیض خداوند، امروز بر روی زمین، گروهی از مردم در بازیابی خداوند هستند که به خدمتگزاری آسمانی مسیح پاسخ می‌گویند.

(پ) همانگونه که سر در آسمان برای ما شفاعت کرده و ما را خدمتگزاری می‌کند، ما، بدن، بر روی زمین با مطابقت با آنچه او برای اجرای عهد جدید انجام می‌دهد و بازتاب آنها، به خدمتگزاری آسمانی مسیح پاسخ می‌گوییم - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۵-۱۶؛ اعمال ۶: ۴.

۲. چشمان ما باید باز شود تا آن بینش آسمانی از وصیت جدید، عهد جدید، آن وصیت نامه را با همه میراث آن ببینیم - افسسیان ۱: ۱۷-۱۸؛ اعمال ۲۶: ۱۸-۱۹:

(آ) پدر همه چیز را وعده داد، و خداوند عیسی همه چیز را به انجام رساند؛ اکنون همه حقیقت‌های به انجام رسیده، در آن وصیت نامه به عنوان میراث ما فهرست شده است - لوقا ۲۲: ۲۰؛ عبرانیان ۹: ۱۶-۱۷.

(ب) اگر ما آن بیش آسمانی را داشته باشیم تا ببینیم که همه برکت‌های خدا، میراث در آن وصیت نامه هستند، نه مانند گدایان فقیر، بلکه به عنوان وارثان باشکوه که دریافت کننده آن میراث توسط ایمان هستیم، دعا خواهیم کرد - رومیان ۸: ۱۷؛ افسسیان ۳: ۶؛ عبرانیان ۶: ۱۷؛ ۱: ۱۴.

(پ) اگر ما آن نگرش آسمانی از وصیت جدید، عهد جدید را داشته باشیم، برداشت ما تغییر خواهد کرد، به طور اساسی منقلب خواهیم گشت، و با ستایش خداوند از خود بیخود خواهیم شد - دوم قرنتیان ۵: ۱۳؛ مکاشفه ۵: ۶-۱۳.

ث. ما برای توضیح ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴، به تمام بیست و هفت کتاب عهد جدید نیاز داریم:

۱. اگر ما در نور کل کتب عهد جدید این بخش را درک کنیم، خواهیم دید که در این عهد جدید، ما کلیسا، پادشاهی خدا، اهل خانه خدا، خانه خدا به عنوان محل سکونت خدا در روحمان، انسان نو، و بدن مسیح به عنوان پُری خدای سه‌یکتای پروسه دیده و در کمال را داریم.

۲. عاقبت، این عهد جدید، دوره هزاره را خواهد آورد؛ در نهایت و در کمال، [عهد جدید] اورشلیم نو را در آسمان نو و زمین نو برای ابدیت حاصل خواهد کرد.

## پیام نهم

### داوری خدا بر مصر و بابل

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۴۶: ۲-۲۸؛ ۵۰: ۱، ۸-۱۶؛

۵۱: ۶-۹، ۲۴-۲۵، ۲۸-۳۷، ۴۴-۴۵، ۵۸-۶۴

۱. کتاب ارمیا یک تصویر را از آمدن خدا به جهت تنبیه و داوری امتها، که نمایانگر جوانب دنیاست، ارائه می دهد - ۴۶: ۲؛ ۴۷: ۱؛ ۴۸: ۱؛ ۴۹: ۱، ۷، ۲۳، ۲۸، ۳۴، ۵۰: ۱؛

آ. ارمیا در سخنانش درباره امتها، اول به مصر (۴۶: ۲-۲۸) و از آخر به بابل (باب های ۵۰-۵۱) اشاره می کند:

۱. این نشان می دهد که، در نظر خدا، دنیا در وهله اول مصری و سپس بابلی است.

۲. بر طبق آن تصویر در کتاب ارمیا، آخرین امتی که داوری می شود بابل است؛ وقتی خدا بابل را داوری کند، داوری او بر امتها کامل خواهد شد.

ب. برای به انجام رساندن اقتصاد خدا، کلیسا، همان برگزیدگان خدا در عهد جدید، باید از هر لحاظ از دنیا جدا شوند - یوحنا ۱۷: ۱۴، ۱۶؛ رومیان ۱۲: ۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷.

۲. ارمیا ۴۶: ۲-۲۸ درباره داوری خدا بر مصر می گوید:

آ. مصر نماد دنیا در حال امرار معاش و لذات است، که شیطان، رئیس دنیا، که فرعون حاکم مصر نماد اوست، آن را اشغال کرده و مردمی که خدا برای اقتصادش برگزیده را غصب می کند - پیدایش ۱۲: ۱۰، ۴۱: ۳-۵۷؛ اعداد ۱۱: ۴-۶؛ عبرانیان ۱۱: ۲۵؛ یوحنا ۱۲: ۳۱؛

۱. کشور مصر نشانگر پادشاهی تاریکی و اقتدار تاریکی است - کولسیان ۱: ۱۳؛ متی ۱۲: ۲۶.

۲. دنیا منشأ لذت نیست بلکه محل ستمگری است، و هر جنبه از دنیا شکلی از استبداد است - غلاطیان ۴: ۸.

۳. شیطان در دنیا مردم برگزیده خدا، همان کسانی که برای تحقق بخشیدن مقصود خدا معین شدند را تحت دست غاصب خود نگاه می دارد - افسسیان ۲: ۲؛ لوقا ۱۳: ۱۱-۱۲؛

(آ) وجود داشتن، یک موضوع است، ولی وجود داشتن برای مقصود الهی، موضوع دیگری است - رومیان ۸: ۲۸؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹.

(ب) شیطان مردم را غصب کرده است تا آنها فقط به موجودیت خودشان و نه برای مقصود خدا در موجودیت ایشان، اهمیت دهند - متی ۶: ۲۵؛ ۳۱-۳۳.

۴. یک جنبه از مقصود خدا در فراخواندن ما این است که از ما استفاده جوید تا دیگران را از غصب و ستمگری شیطان و دنیا بیرون آورد - اعمال ۲۶: ۱۸؛ افسسیان ۳: ۹.

ب. دنیا یک سازماندهی شرور است که توسط شیطان با روشی معین ترتیب داده شده است - اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ یعقوب ۴: ۴؛

۱. خدا انسان را آفرید تا برای تحقق مقصود او [خدا] بر روی زمین زیست کند، ولی دشمن او، شیطان، برای غصب انسان خلق شده توسط خدا، یک سازماندهی ضد-خدا را توسط ترتیب دادن مردم، با فرهنگ، تحصیلات، صنعت، تجارت، سرگرمی، و مذهب، بر روی زمین شکل داد - افسسیان ۳: ۱۱؛ پیدایش ۱: ۲۶-۲۸؛ ۲: ۸-۹؛ ۴: ۱۶-۲۴.

۲. همه چیز بر روی زمین، بخصوص چیزهایی که به نوع بشر مربوط است، و همه چیز در هوا، توسط شیطان در پادشاهی تاریکی او ترتیب داده شده تا مردم را اشغال کرده، و در به انجام رساندن مقصود خدا درمانده سازد، و آنها را از مسرت خدا منحرف کند - اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷.

۳. دنیا بر ضد خدای پدر است، امور دنیا بر ضد اراده خداست، و کسانی که دوستداران دنیا می باشند دشمنان خدا هستند - آ. ۱۵-۱۷؛ یعقوب ۴: ۴.

۴. «تمامی دنیا»، همان سازماندهی شیطانی، «در آن شریر لمیده است» - اول یوحنا ۵: ۱۹؛



- (آ) «تمامی دنیا» متشکل است از سازماندهی شیطانی دنیا و مردم دنیا، نسل بشر سقوط کرده.
- (ب) «لمیده» یعنی از روی بی ارادگی در حوزه غصب و دغلكاری آن شریر باقی ماندن؛ تمامی دنیا و مردم دنیا از روی بی ارادگی تحت دست غاصب و دغلكار شیطان، آن شریر، لمیده است.
- (پ) کلمه یونانی برای "شریر" در اول یوحنا ۵: ۱۹، اشاره دارد به کسی که مهلك بوده، به طور آسیب رسان شریر است، کسی که بر دیگران اثر می گذارد، و موجب می شود آنها شرور و بدجنس باشند؛ چنین فرد شرور، شیطان، همان ابلیس می باشد که تمامی دنیا در او لمیده است.
۵. شیطان دنیای مادی و چیزهایی که در دنیا هستند را غصب می کند تا عاقبت همه چیز را در پادشاهی ضد-مسیح گرد آورد؛ در آن زمان سازماندهی دنیا به اوج خود رسیده است، و هر واحد از آن، به عنوان ضد-مسیحی آشکار خواهد شد - دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۱۲.
۶. سازماندهی شرور دنیا، پادشاهی تاریک شیطان، توسط کار مسیح بر صلیب داوری شد - یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲؛ ۱۶: ۱۱:

- (آ) خداوند از طریق مرگ خود بر صلیب به شباهت جسم گناهکار، شیطان را که در جسم انسان است نابود کرد - رومیان ۸: ۳؛ عبرانیان ۲: ۱۴.
- (ب) خداوند با داوری شیطان بدین طریق، دنیا را نیز، که بر شیطان آویزان است، داوری کرد - یوحنا ۱۶: ۱۱.
- (پ) برافراشته شدن خداوند بر صلیب باعث شد که دنیا داوری شده، و رئیس آن، [یعنی] شیطان، بیرون افکنده شود - ۱۲: ۳۱-۳۲.

### ۳. ارمیا باب‌های ۵۰ و ۵۱ از داوری خدا بر بابل [بابلون] می‌گوید:

- آ. بابل [بابلون] (Babylon) از بابل (Babel) شروع شد - پیدایش ۱۰: ۸-۱۰:
۱. شیطان در بابل باعث شد که نسل بشر علیه خدا طغیان کند، بتها را پرستد، و نفس انسان را بالا برد؛ پس بابل اصل و منشأ سرکشی انسان علیه خدا، پرستش بتها، و خود-بزرگ بینی انسان است - ۱۱: ۱-۹.
۲. ادامه بابل در بابلون بود، که در چشم خدا، همان کمال دولت بشری است - ارمیا ۵۰: ۱؛ دانیال ۲: ۳۲-۳۴:
- (آ) نبودکدنصر، پادشاه بابلون، حتی با شیطان به عنوان تجسم شیطان شناسایی شد - اشعیا ۱۴: ۴، ۱۵-۱۱.
- (ب) بابلون شهر مقدس خدا و معبد خدا را نابود کرده، و مردم مقدس خدا و ظروف معبد خدا را به اسارت برد - دوم تواریخ ۳۶: ۱۷-۲۰.
- ب. در مکاشفه باب‌های ۱۷ و ۱۸، امپراطوری روم بازسازی شده، به نام بابل\* بزرگ خوانده می شود که دو جنبه دارد - مذهبی و مادی:
- [\*یادداشت مترجم: از این نکته به بعد منظور از "بابل" همان "بابلون" است.]
۱. مکاشفه باب ۱۷، یک پرده برداری از بابل مذهبی است - کلیسای کاتولیک رومی:
- (آ) در نظر خدا کلیسای کاتولیک رومی، که مقدار زیادی از یهودیت گرفته، و مقدار زیادی از بت پرستی را جذب کرده، همان بابل است.
- (ب) آن فاحشه در ۱۷: ۱ همان کلیسای کاتولیک رومی مرتد است.
- (پ) چون خدا از کلیسای مرتد بیزار است، در آغاز مصیبت عظیم، خدا باعث خواهد شد که ضد-مسیح و ده پادشاه او کلیسای کاتولیک رومی را نابود کنند - آ. ۱۶-۱۷.
۲. مکاشفه باب ۱۸ یک پرده برداری از بابل مادی است - شهر روم:
- (آ) در مکاشفه ۱۷ و ۱۸ دو جنبه از بابل - جنبه مذهبی و جنبه مادی - باهم مخلوط شده است:
- (۱) آن فاحشه در ۱۷: ۱۶ دلالت دارد بر بابل مذهبی، که نشانگر کلیسای کاتولیک رومی است، در حالی که آن زن در آیه ۱۸ دلالت دارد بر بابل مادی، که نشانگر شهر روم می باشد.

(۲) چون بابل بزرگ دو جنبه دارد، بیرون آمدن از او، بیرون آمدن از هر دو، بابل مذهبی و بابل مادی، است - ۱۸: ۴.

(ب) بابل مادی، شهر روم، در نظر خدا منفور خواهد شد زیرا منشأ هردو، هم سیاست ابلیسی و هم مذهب ابلیسی، بوده است - آ. ۶-۸، ۲۰-۲۴.

(پ) مسیح به عنوان فرشته‌ای دیگر، بر زمین خواهد درخشید تا بابل بزرگ، شهر روم، را با اقتدار عظیم خود، نابود کند - آ. ۱-۲.

پ. اصل بابل مخلوط کردن امور انسان با کلام خدا، و امور مربوط به جسم با امور مربوط به روح است - ۱۷: ۵-۱.

۱. بابل اختلاط امور خدا با امور بتهاست:

(آ) نبود کدنصر، پادشاه بابل، خانه خدا در اورشلیم را سوزانید، و تمامی ظروف خانه خدا که برای پرستش خدا بودند را برداشته و آنها را در معبد بت‌های خود در بابل گذاشت - دوم قرن‌تیان ۳۶: ۶-۷؛ عزرا ۱: ۱۱.

(ب) در عهد جدید، این اختلاط در بابل بزرگ توسعه یافته است - مکاشفه ۱۷: ۳-۵.

۲. ما باید از هر وضعیتی که در آن، قدرت انسان با قدرت خدا مخلوط شده، توانایی انسان با توانایی خدا مخلوط شده، و عقیده انسان با کلام خدا مخلوط شده، بیرون آییم - ۱۸: ۴، زیرنویس ۱.

ت. بابل بزرگ دو سقوط خواهد داشت - سقوط بابل مذهبی و سقوط بابل مادی - ۱۴: ۸؛ ۱۸: ۲:

۱. سقوط بابل مذهبی در آغاز مصیبت عظیم رخ خواهد داد - ۱۷: ۱۶-۱۷.

۲. سقوط بابل مادی، در پایان مصیبت عظیم رخ خواهد داد - ۱۸: ۲، ۲۱.

۳. ستایش در ۱۹: ۱-۴ بیشتر نه به سقوط بابل مادی بلکه به سقوط بابل مذهبی مربوط است، زیرا در نظر خدا بابل مذهبی منفور تر از بابل مادی است.

ث. خدا بابل را آنقدر داوری خواهد کرد که هیچ چیز از بابل در عالم باقی نخواهد ماند:

۱. هم اشعیا و هم ارمیا نبوت کردند که هنگامی که بابل نابود شود، دیگر بازسازی نخواهد شد - اشعیا ۱۴: ۲۲-۲۳؛ ارمیا ۵۰: ۳۹؛ ۵۱: ۶۲.

۲. وقتی که خدا، هم بابل مذهبی و هم سیاسی را در پایان این عصر داوری می‌کند، این پایان داوری بر بابل که در باب‌های ۵۰ و ۵۱ نبوت شده، است.

۳. بابل بزرگ نابود شده، از زمین برداشته شده، و به دریای آتش افکنده خواهد شد، و اورشلیم نو آورده خواهد شد تا مرکز چشمگیر پادشاهی جاودان خدا در آسمان نو و زمین نو باشد - مکاشفه ۱۱: ۱۵؛ ۲۱: ۲، ۱۰-۱۱.

## قول، نبوت، باقیماندگان، و بازایی

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۲۵: ۱۱-۲۹؛ ۱۰-۱۱، ۱۴؛  
 ۳۰: ۱-۳، ۱۰-۱۱، ۱۶-۱۹؛ ۳۱: ۱-۹، ۱۱-۱۳؛ ۳۳: ۶

۱. خدا فرزندان اسرائیل را برگزید و آنها را به عنوان نمادی از کلیسا، مردم خود ساخت - رومیان ۹: ۱۱-۱۳؛ اعمال ۷: ۳۸

آ. فرزندان اسرائیل، به عنوان مردم برگزیده خدا، بزرگترین نماد جمعی کلیسا هستند - اول قرن‌تیا ۱۰: ۱-۱۱.  
 ب. ما در این نماد می‌توانیم ببینیم که کلیسا توسط خدا برگزیده و بازخرید شده است، از مسیح و روح چون تأمین حیات مسرت می‌برد، سکونتگاه خدا را بنا می‌سازد، مسیح را به عنوان سهم خود به ارث می‌برد، تنزل کرده و اسیر می‌شود، بازایی شده، و در انتظار آمدن مسیح است.

۲. یهوه قول داد که سعادت را به اسرائیل بازگردانده [اسارت درآورده] و آنها را به سرزمین خودشان بازخواهد آورد - ارمیا ۱۶: ۱۵؛ ۳۰: ۱-۳، ۱۰-۱۱، ۱۶-۱۹؛ ۳۱: ۱-۹، ۱۱-۱۳

آ. «فکرهايي را که برای شما دارم می‌دانم، که فکرهاي سعادت‌مندی است و نه تیره بختی، تا به شما امید بخشم و آینده‌ای عطا کنم» - ۲۹: ۱۱.

ب. «با مهربانی ازلی به تو مهر ورزیده‌ام؛ / از این رو تو را به محبت جذب کرده‌ام» - ۳۱: ۳.

پ. «من سعادت را به شما باز خواهم گردانید، و شما را از میان تمامی قومها و سرزمینهایی که شما را بدان جا رانده‌ام، گرد خواهم آورد، و شما را به مکانی که از آنجا به تبعیدتان فرستادم، بازخواهم گردانید. این است فرموده خداوند.» - ۲۹: ۱۴.

ت. «ای اسرائیل باکره، / تو را دیگر بار بنا خواهم کرد، و تو از نو بنا خواهی شد! / دیگر بار خویشتن را به دَفه‌ایت خواهی آراست، / و به رقص جشن‌گیرندگان بیرون خواهی آمد» - ۳۱: ۴.

ث. «ایشان آمده، بر بلندای صهیون فریاد شادمانی سر خواهند داد، / و از احسان خداوند شاد و خرم خواهند شد... / جانشان چون باغی سیراب خواهد شد، / و دیگر پژمرده نخواهند بود» - آ. ۱۲.

ج. «من ماتمشان را به خوشی بدل خواهم کرد؛ / تسلی‌شان خواهم داد، و به جای اندوه بدیشان شادمانی خواهم بخشید» - آ. ۱۳.

۳. ارمیا نبوت کرد که اسارت اسرائیل در بابل به مدت هفتاد سال خواهد بود - ۲۵: ۱۱:

آ. آن کلام در مورد هفتاد سال، برای ارمیا تسلی بخش بود، و به او این اطمینان را می‌بخشید که وضعیت رقت انگیز کشور و مردمش، و معبد و شهر، فقط هفتاد سال طول خواهد کشید - ۲۹: ۱۰؛ زکریا ۷: ۵.

ب. همانگونه که خدا مردم را به دست اسارت داد، آنها را بازمی‌گرداند، اما نه به عنوان اسیران بلکه به عنوان جنگجویان پیروز - دوم تواریخ ۳۶: ۲۱-۲۳.

پ. چون دانیال نبوت‌ها در ارمیا ۲۵: ۱۱-۱۲ درباره هفتاد سال اسارت اسرائیل را فهمیده بود، او روی خود را متوجه ساخت «به سوی خداوندگار خدا تا با دعا...مسئلت» نماید - دانیال ۹: ۲-۳:

۱. دانیال به عنوان همکار خدا بر روی زمین، اراده خدا را از متون مقدس فهمیده بود و بر طبق متون مقدس برای اراده خدا دعا می‌کرد.

۲. دانیال می‌دانست که قصد خدا این بود که فرزندان اسرائیل را برای بازسازی معبد به سرزمین اسرائیل بازگرداند، و از این رو، او برای این امر دعا کرد؛ بازگشت فرزندان اسرائیل به اورشلیم، اجابت دعای دانیال توسط خدا بود.

۴. یهوه فرمود که باقیماندگان گله خود را از تمامی سرزمینهایی که ایشان را بدان رانده بود جمع کرده، و آنها را باردیگر به آغوشان باز خواهد آورد، و بارور و کثیر خواهند شد - ارمیا ۲۳: ۳:

- آ. پس از هفتاد سال اسارت، خدا آمد تا فرزندان اسرائیل را برای بازگشت از بابل به شهر مقدس فراخواند - ۲۵:۳
۱. وقتی خدا مردمش را برای بازگشت به سرزمین برگزیده خود فراخواند، تعداد بسیار کمی واکنش نشان دادند؛ اکثریت در اسارت خود باقی ماندند.
۲. تنها تعداد معدودی به سرزمین برگزیده بازگشتند؛ کسانی که برای بازسازی معبد به اسرائیل بازگشتند، باقیماندگان مردم خدا بودند - عزرا ۱: ۳؛ ۲: ۱-۶۷.
۳. خدا قول داد که مردمش پس از هفتاد سال اسارت در بابل، به اورشلیم بازخواهند گشت (ارمیا ۲۵: ۱۱؛ ۲۹: ۱۰)؛ در کتابهای عزرا و نحمیا، باقیماندگان بر طبق این قول بازگشتند.
- ب. امروزه در بازیابی خداوند، ما باقیماندگان مردم خداییم که به قصد اولیه او بازگشتیم در حالی که بسیاری از ایمانداران حقیقی پراکنده بوده، و در اسارت باقی مانده‌اند - مزامیر ۱۲۶: ۱-۴:
۱. ما اعضای بدن مسیح هستیم که به زمین اصیل یگانگی بازگشته، و اینجا به عنوان باقیماندگان خدا ایستاده‌ایم - تثنیه ۱۲: ۵.
۲. اکثر مسیحیان در اسارت باقی مانده‌اند؛ تنها تعداد کمی از باقیماندگان به زمین مناسب برای بنای خدا بازگشته‌اند - آ. ۱۱؛ ۱۶: ۲؛ مزامیر ۱۳۲: ۱۳-۱۴.
- پ. بازگشت فرزندان اسرائیل از بابل به اورشلیم، راه را برای آمدن مسیح هموار کرد - میکاه ۵: ۲؛ متی ۲: ۴-۶؛ لوقا ۲: ۴-۷:
۱. نخست بار آمدن خداوند بستگی داشت به بازگشت مردم خدا از اسارت در بابل به سرزمین مقدس:
- (آ) بر طبق نبوت در میکاه ۵: ۲، مسیح می‌باید در بیت‌لحم بدنیا می‌آمد.
- (ب) برای آنکه این نبوت تحقق پذیرد، مردم خدا می‌بایست در سرزمین مقدس می‌بودند - متی ۲: ۴-۶؛ لوقا ۲: ۴-۷.
- (پ) باقیماندگان اسیران بازگشته، وسیله‌ای بود که خدا برای بازسازی معبد از آن استفاده کرد تا مسیح را برای نخستین بار بیاورد - میکاه ۵: ۲.
- (ت) بدون بازگشت باقیماندگان به سرزمین مقدس، راهی برای مسیح نمی‌بود که از طریق جسم-پوشیدن به روی زمین آید - لوقا ۱: ۳۵؛ ۲: ۴-۷.
۲. همین گونه، آمدن مسیح برای دومین بار، بستگی دارد به بازگشت باقیماندگان ایمانداران عهد جدید از اسارتشان در بابل، مسیحیت تنزل-کرده، به زمین منحصر بفرد یگانگی برای بناسازی کلیسا، خانه روحانی خدا - افسسیان ۲: ۲۱-۲۲؛ مکاشفه ۲: ۱؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۵؛ اول پطرس ۲: ۵:
- (آ) خداوند باقیماندگان مردمش را فرا می‌خواند تا توسط بیرون آمدن از اسارت بابی و بازگشت به زمین مناسب کلیسا، نیاز او را رفع کنند - مکاشفه ۱۸: ۴؛ اشعیا ۵۲: ۱۱؛ ارمیا ۵۰: ۸؛ ۵۱: ۶، ۹، ۴۵.
- (ب) قصد خداوند این نیست که مسیحیت در کل را احیا کند، بلکه [او می‌خواهد] باقیماندگانی از مردمش که حاضر به پرداخت بهای پیروی از او هستند را برای تحقق مقصودش فراخواند تا به عنوان بدن مسیح بنا شوند - متی ۱۶: ۱۸؛ ۱۸: ۱۷؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۲: ۲۱-۲۲؛ ۴: ۱۶؛ مکاشفه ۱: ۱۱؛ ۲۲: ۱۶.
۵. یهوه فرمود که بازیابی [سلامت] را بر فرزندان اسرائیل باز خواهد گرداند - ارمیا ۳۰: ۳۳؛ ۳۳: ۶:
- آ. یهوه قول داد که بازیابی [سلامتی] و شفا را به شهر اسرائیل بازگرداند - آ. ۶.
- ب. او فرمود که آرامش [سلامتی] و امنیت را به فراوانی بدیشان خواهد رسانید و ایشان را از تمامی گناهانشان پاک کرده، و تمامی تقصیرهای ایشان را که بدانها بر او گناه ورزیده و از او سرپیچیده‌اند، بیامرزد - آ. ۶-۸.
- پ. یهوه قولی دیگر داد که اورشلیم در حضور تمامی قومها مایه شهرت و شادی و ستایش و حرمت خواهد بود - آ. ۹.

۶. بازگشت فرزندان اسرائیل از اسارتشان نمایانگر بازیابی کلیساست - عزرا ۱: ۳-۱۱؛ نحمیا ۲: ۱۱، ۱۷:

آ. وقتی ما از بازیابی کلیسا می‌گوییم، منظورمان این است که در اصل چیزی وجود داشته، ولی گم یا تخریب گشته، و حالا نیاز به بازگرداندن آن چیز به حالت اولیه خود است - متی ۱۶: ۱۸؛ ۱۷: ۱۷.

ب. چون کلیسا در طی قرون متمادی از تاریخ خود، تنزل یافت، باید بر طبق قصد اولیه خدا بازسازی شود - اول قرن‌تین ۱: ۲؛ ۱۲: ۲۷؛ رومیان ۱۲: ۴-۵؛ ۱۶: ۱، ۴-۵؛ مکاشفه ۱: ۱۱؛ ۲۲: ۱۶.

پ. بازیابی شدن فرزندان اسرائیل بدین معنا بود که آنها از بابل به اسرائیل بازگردانده شوند؛ بازیابی کلیسا شامل یک بازگشت از زمین اسارت و تفرقه‌آمیز که توسط بابل نشان داده شده، است - مزامیر ۱۲۶: ۱-۴؛ ۱۳۳: ۱.

ت. فرزندان اسرائیل به اورشلیم، یگانه زمین مقدر خدا، با تمامی ظروف معبد خدا، که به بابل برده شده بود، بازگشتند - دوم تواریخ ۳۶: ۱۸؛ عزرا ۵: ۱۴؛ ۶: ۵:

۱. اورشلیم مرکز پرستش خدا برای مردمش بود، و این یگانه مرکز، یگانگی مردم خدا را حفظ می‌کرد؛ بدین دلیل برای مردم خدا در عهد قدیم لازم بود که به این یگانه زمین مقدر خدا، یعنی اورشلیم، بازگردند - تثنیه ۱۲: ۱۱؛ ۱۶: ۲؛ ۲۶: ۲.

۲. این ظروف، که از نقره و طلا بودند، نشانگر غنای مسیح و جوانب گوناگون تجربه مسیح است - افسسیان ۳: ۸.

۳. بابل امروزی نه تنها مردم خدا را اسیر کرده، بلکه تمامی غنای معبد خدا را نیز دزدیده است؛ اکنون خداوند نه تنها خواهان فراخواندن مردم امین خود است که از بابل بیرون آیند تا او آنها را به یک زندگی کلیسایی مناسب بیاورد، بلکه او همچنین می‌خواهد که تمامی جوانب مسیح، که گم شده اند را بازیابی کند - آ. ۱۷-۱۹؛ کولسیان ۱: ۱۵-۲۰؛ ۲: ۱۶-۱۷؛ ۳: ۴.

ث. بازیابی کلیسا همچنین توسط بناسازی مجدد معبد خدا، خانه خدا در اورشلیم، و بناسازی مجدد شهر اورشلیم، نمایان شده است - عزرا ۱: ۳؛ نحمیا ۲: ۱۱، ۱۷؛ مزامیر ۲۶: ۸؛ ۳۶: ۸-۹؛ ۴۶: ۱، ۵؛ ۴۷: ۲، ۶-۸:

۱. آن معبد، مکان حضور خدا، به حفاظت نیاز داشت؛ حصار شهر دفاع آن معبد بود.

۲. ما برای فهمیدن رابطه بین خانه و شهر در اورشلیم نو، باید دریابیم که کلیسا گسترش مسیح و افزایش مسیح است - یوحنا ۳: ۲۹-۳۰؛ افسسیان ۴: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۱۹:

(آ) مرحله اول از گسترش مسیح، کلیساست به عنوان خانه، که ترکیبی است از همه ایمانداران با هم تا افزایش مسیح باشند - افسسیان ۲: ۲۱-۲۲.

(ب) مرحله دوم از گسترش مسیح، کلیسا به عنوان شهر است؛ کلیسا به عنوان خانه باید افزایش یابد تا کلیسا به عنوان شهر باشد - متی ۵: ۱۴؛ مکاشفه ۳: ۷، ۱۲؛ ۲۱: ۹-۱۰.

(پ) بنای کلیسا به عنوان خانه و شهر، مرکز مقصود جاودان خداست - افسسیان ۲: ۲۱-۲۲؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۵؛ مکاشفه ۲: ۳-۲.

۳. اگر بازیابی مردم خدا از بابل بزرگ به زندگی کلیسایی وجود نداشته باشد، راهی برای مسیح نخواهد بود که برای بار دوم بیاید - ۷: ۱:

(آ) بدین دلیل است که خداوند، در زمانهای آخر، کار می‌کند تا بازیابی کلیسا را داشته باشد - آ. ۱۱: ۷-۱۰؛ ۲۲: ۱۶؛ اول قرن‌تین ۱۲: ۲۷؛ ۱: ۲.

(ب) این بازیابی، یک آماده‌سازی و بنیاد برای آمدن دوباره مسیح خواهد بود - مکاشفه ۱: ۷؛ ۳: ۱۱؛ ۷: ۱۹-۲۲؛ ۷، ۱۲، ۲۰.

## پیام یازدهم

### شبانان موافق دل خدا

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۲: ۸؛ ۳: ۱۵؛ ۱۰: ۲۱؛ ۲۳: ۱-۴؛ اشعیا ۴۰: ۱۱؛ حزقیال ۳۴: ۱۱-۳۱؛ یوحنا ۱۰: ۱۱؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ اول پطرس ۲: ۲۵؛ ۵: ۲، ۴؛ مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷

#### ۱. یهوه از طریق ارمیای نبی درباره شبانان، حاکمان، فرمود - ارمیا ۲: ۸؛ ۱۰: ۲۱:

- آ. شبانان، حاکمان، بر ضد یهوه گناه ورزیدند؛ آنان از خداوند مسئلت نکردند و گله آنها پراکنده شد.
- ب. شبانان گله چراگاه یهوه را نابود و پراکنده ساختند - ۲۳: ۱-۲.
- پ. یهوه وعده داد که باقیمانندگان گله خود را جمع کرده، و آنها را بار دیگر به چراگاهشان باز خواهد آورد، و بر ایشان شبانانی خواهد گماشت که آنان را شبانی خواهند کرد، و ایشان بارور و کثیر خواهند شد - آ. ۳-۴.
- ت. یهوه وعده داد که به اسرائیل شبانانی موافق دل خود دهد؛ چنین شبانانی به مردم خدا معرفت و بصیرت خواهند داد - ۳: ۱۵.

#### ۲. هر دو، عهد قدیم و عهد جدید، مسیح را به عنوان آن شبان موافق دل خدا آشکار می کنند - اشعیا ۴۰: ۱۱؛ حزقیال ۳۴: ۱۱-۳۱؛ یوحنا ۱۰: ۱۱؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ اول پطرس ۲: ۲۵؛ ۵: ۴؛ مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷:

آ. مسیح به عنوان آن قادر مطلق، حاکم و داور، می آید تا یک شبان باشد؛ او از گله خود مراقبت می کند؛ او این کار را توسط حکم راندن و اصلاح کردن گوسفندان و با غذا دادن به گله اش، جمع آوری بره های خود میان بازوانش و حمل آنها در آغوشش، و رهبری شیردهندگان با ملایمت، انجام می دهد - اشعیا ۴۰: ۱۰-۱۱؛ متی ۲: ۶؛ ۹: ۳۶.

ب. حزقیال ۳۴: ۱۱-۳۱ نبوت می کند که خود خداوند به عنوان آن شبان می آید تا گوسفندان را جستجو کند و جویای آنها باشد:

۱. خداوند به عنوان آن شبان، مردم خود، گوسفندان خود، را از میان امتهای گرد آورده، و به سرزمین کنعان بازخواهد برد، که نمایانگر مسیح شامل تمام به عنوان سهم میراث مردم خداست، تا بر کوه های بلند، که نشانگر مسیح رستاخیز و صعود کرده است، ساکن شوند - آ. ۱۱، ۱۴.

۲. وقتی که خداوند عیسی به عنوان آن شبان برای مراقبت از ما آید، او به عنوان پادشاه نیز می آید تا بر ما حکمرانی کند؛ نتیجه مراقبت ما توسط خداوند به عنوان شبانمان این است که ما از او به عنوان پادشاه خود اطاعت کرده و تحت پادشاهی و تخت او در درونمان، می آییم - آ. ۲۳-۲۴.

پ. مسیح همان شبان نیکو، شبان اعظم، رئیس شبانان، و شبان جانهایمان است - یوحنا ۱۰: ۹-۱۷؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ اول پطرس ۵: ۴؛ ۲: ۲۵:

۱. به عنوان شبان نیکو، خداوند عیسی آمد تا ما حیات داشته و از آن به فراوانی بهره مند شویم - یوحنا ۱۰: ۱۰-۱۱:

(آ) او جان خود، زندگی انسانی خود، را داد، تا برای گوسفندان خود بازخريد را به انجام رساند تا آنها سهم حیات زوی [حیات خدا]، حیات الهی، شوند - آ. ۱۱، ۱۵، ۱۷.

(ب) او گوسفندان خود را از آغل به بیرون رهبری کرده، و به درون خودش به عنوان چراگاه، همان مکان تغذیه، می آورد، جایی که آنها بتوانند آزادانه از او بخورند و تغذیه شوند - آ. ۹.

(پ) خداوند ایمانداران یهودی و غیریهودی را به یک گله (کلیسا)، تحت شبانی او، شکل داده است - آ. ۱۶.

۲. خدا از میان مردگان «خداوند ماعیسی، شبان اعظم گوسفندان، را به خون آن عهد ابدی» برخیزانید - عبرانیان ۱۳: ۲۰

(آ) عهد ابدی همان عهد جدید است برای بدست آوردن یک گله، که کلیساست و به بدن مسیح منجر شده و در اورشلیم نو تکامل می یابد.

(ب) به عنوان شبان اعظم، خداوند محتوای عهد جدید را برای ما واقعی کرده، و ما را به تجربه و مسرت از تمام مواردی که در کتاب عبرانیان آشکار شده رهبری می کند - ۸: ۱۳؛ ۱: ۱؛ ۳-۲؛ ۱۸-۹: ۵؛ ۶: ۱۰؛ ۱۴: ۷؛ ۱۶: ۲۲، ۲۴-۲۶؛ ۱۳: ۱؛ ۸، ۱۲-۱۵.

۳. به عنوان رئیس شبانان، مسیح گله خود را توسط ارشدان در کلیساها شبانی می کند - اول پطرس ۵: ۴؛ (آ) بدون شبانی ارشدان، کلیسا نمی تواند بنا شود - آ. ۲.

(ب) شبانی ارشدان باید شبانی مسیح از طریق آنان باشد.

۴. به عنوان شبان جانهای ما، مسیح روح، بر وضع درونی ما نظارت می کند، و از وضعیت درون وجودمان مراقبت می نماید - ۲: ۲۵:

(آ) او توسط مراقبت از سعادت جانهای ما، و سرپرستی از وضع درون وجودمان، ما را شبانی می کند.

(ب) چون جان [روان] ما بسیار پیچیده است، به مسیح نیاز داریم، که آن روح حیات بخش در روحمان است، تا جانمان را شبانی کند، و مراقب ذهن، احساس و اراده ما، و مشکلات، نیازها و زخمهای ما، باشد.

(پ) به عنوان شبان جانهای ما، خداوند جان ما را بازسازی کرده، و به جانمان آسایش می بخشد - مزامیر ۲۳: ۳؛ متی ۱۱: ۲۸-۳۰.

۵. در ابدیت آینده، مسیح شبان جاودان ما خواهد بود که ما را به چشمه های آب حیات هدایت خواهد کرد - مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷:

(آ) به عنوان شبان جاودان ما، مسیح ما را به درون خودش به عنوان چشمه های آب حیات رهبری خواهد کرد تا بتوانیم از توزیع جاودان خدای سه یکتا مسرت ببریم - آ. ۱۷.

(ب) آب حیات تأمین خواهد شد، آب اشکها پاک خواهد گشت - آ. ۱۷ ب.

(پ) تحت شبانی مسیح در ابدیت، هیچ اشکی، هیچ گشنگی و تشنگی نخواهد بود - فقط مسرت خواهد بود - آ. ۱۶-۱۷.

۳. خداوند عیسی در خدمتگزاری آسمانی خود، به شبانی ای که در خدمتگزاری زمینی خود آغاز کرد، ادامه می دهد - عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱:

آ. خداوند در یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷ به پولس مأموریت داد که در غیاب او، هنگامی که او در آسمانهاست، بزه های او را خوراک دهد و گوسفندان او را شبانی کند؛ این به جهت همبستگی خدمتگزاری رسولان با خدمتگزاری آسمانی مسیح برای شبانی گله خداست:

۱. آنچه او [خداوند] در آسمانها انجام می دهد، رسولان بر روی زمین به جهت اجرای خدمتگزاری آسمانی او، انجام می دهند - عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷.

۲. در رابطه با شبانی، خدمتگزاری رسولان با خدمتگزاری آسمانی مسیح همکاری می کند - آ. ۱۵-۱۷.

ب. پولس رسول در همکاری با شبانی مسیح در خدمتگزاری آسمانی خود، الگوی شبانی مقدسین است - عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ ۷: ۲۵-۲۶؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۶؛ دوم قرنتیان ۱: ۳-۴؛ اعمال ۲۰: ۲۰:

۱. پولس مقدسین را به عنوان مادری شیرده و پدری ترغیب کننده شبانی کرد - اول تسالونیکیان ۲: ۷-۸؛ ۱۲-۱۱.

۲. پولس مقدسین در افسس را توسط تعلیم دادن آنها «چه در جمع و چه در خانه ها» (اعمال ۲۰: ۲۰) و با هشدار دادن به آنان با اشکها حتی به درازای مدت سه سال (آ. ۳۱، ۱۹) شبانی کرده، و اراده کامل خدا را به آنها اعلام کرد (آ. ۲۷).

۳. قلب پولس بزرگ شده بود تا یک نگرانی همراه با صمیمیت در حیات خدمتگزاری-کننده داشته باشد - دوم قرنتیان ۷: ۲-۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۸؛ فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۰.

۴. پولس در سطح افراد ضعیف پایین آمد تا بتواند آنها را کسب کند - دوم قرنتیان ۱۱: ۲۸-۲۹؛ اول قرنتیان ۹: ۲۲؛ متی ۱۲: ۲۰.

۵. پولس به عنوان شخصی عاشق کلیسا، در یگانگی با مسیح که عاشق کلیساست، حاضر بود که هرچه داشت، یعنی دارایی‌اش، و هرچه بود، یعنی وجودش، را به خاطر مقدسین بدهد تا بدن مسیح را بنا کند – افسسیان ۵: ۲۵؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۱۵؛ ۱۱: ۲۸-۲۹.

#### ۴. کسانی که گله خدا را شبانی می‌کنند باید بر طبق خدا شبانی کنند – اول پطرس ۵: ۲:

آ. شبانی کردن بر طبق [موافق] خدا، شبانی کردن بر طبق آنچه که او در خواصش است، می‌باشد – رومیان ۹: ۱۵-۱۶؛ ۱۱: ۲۲، ۳۳؛ افسسیان ۲: ۷؛ اول قرنتیان ۱: ۹؛ دوم قرنتیان ۱: ۱۲.

ب. شبانی کردن بر طبق خدا، شبانی کردن بر طبق ذات، خواسته، راه و جلال خداست، نه بر طبق سلیقه، علاقه، مقصود، و خلق و خوی ما.

پ. ما برای شبانی کردن بر طبق خدا، باید خدا در حیات، ذات، ابراز، و عملکرد شویم – یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۱۵؛ دوم پطرس ۱: ۴:

۱. ما باید تکثیر مسیح، ابراز خدا، شویم تا در شبانی خود، خدا را و نه نفس با خلق و خو و خصوصیاتش را ابراز کنیم – یوحنا ۱: ۱۸؛ عبرانیان ۱: ۳؛ ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹.

۲. ما باید خدا در عملکرد او در شبانی کردن گله خدا بر طبق آنچه او مطابق هدفش در اقتصاد خود هست، شویم – افسسیان ۴: ۱۶؛ مکاشفه ۲: ۲۱.

۳. وقتی ما با خدا یک هستیم، تبدیل به خدا در حیات و ذات او، و خدا در شبانی دیگران، می‌شویم – اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۲؛ دوم قرنتیان ۱: ۴؛ اول پطرس ۵: ۲.

#### ۵. آن نوع شبانی‌ای که بدن مسیح را بنا می‌سازد، یک شبانی متقابل است – اول قرنتیان ۱۲: ۲۳-۲۶:

آ. شبانی کردن این است که به طور شامل تمام و ملایم از گله مراقبت کنیم – یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ اعمال ۲۰: ۲۸.

ب. همه ایمانداران، علیرغم مرحله رشد روحانی خود، به شبانی نیاز دارند.

پ. همه ما لازم است تحت شبانی زنده مسیح بوده، و برای شبانی دیگران با او یک باشیم – اول پطرس ۲: ۲۵؛ یوحنا ۲۱: ۱۶.

ت. ما باید گله خدا را بر طبق قلب بامحبت و بخشنده پدر و مطابق روح جوینده، یابنده، و شبانی کننده پسر، شبانی کنیم – لوقا ۴: ۱۵-۲۴، ۳۲.

ث. ما هم گوسفندان و هم شبانان هستیم، به طور متقابل شبانی کرده و شبانی می‌شویم؛ توسط این شبانی متقابل، بدن، خود را در محبت بنا می‌سازد – افسسیان ۴: ۱۶.



تجربه کردن و مسرت بردن از محتوای عهد جدید  
بر طبق تجربه روحانی ما برای انجام اقتصاد خدا

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲؛ رومیان ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲

۱. بر اساس این حقیقت که ارمیا درباره عهد جدید نبوت می کند، کتاب ارمیا را می توان به عنوان یک کتاب عهد قدیم که همچنین کتاب عهد جدید نیز هست، تلقی کرد؛ ما باید محتوای عهد جدید را به عنوان میراث خدا به ما، ببینیم و تصاحب کنیم - ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲:

آ. در عهد جدید چهار برکت و عده داده شده است:

۱. کفاره بی عدالتی ما و فراموش کردن (آمرزش) گناهانمان - آ. ۱۲.

۲. افاضه قانون حیات توسط افاضه حیات الهی به درون ما - آ. ۱۰.

۳. امتیاز خدا را به عنوان خدایمان داشتن و قوم او بودن - آ. ۱۰.

۴. عملکرد حیات که ما را قادر می سازد تا خدا را از راه درونی حیات بشناسیم - آ. ۱۱.

ب. چون بخشش گناهان فقط یک روش برای نائل شدن به مقصود خداست، این بخش از متون مقدس، آمرزش گناهان را در پایان می گذارد؛ ولی بر طبق تجربه روحانی ما، ما نخست توسط آمرزش پاک می شویم؛ سپس از خدا به عنوان قانون حیات مسرت می بریم، در قانون حیات، قوم خدا می شویم، و دروناً شناخت عمیق تری را از خدا کسب می کنیم - آ. ۱۲.

۲. «شرارت ایشان را خواهیم آمرزید و گناهانشان را دیگر هرگز به یاد نخواهم آورد» - آ. ۱۲:

آ. مسیح برای گناهان ما کفاره کرد تا عدالت خدا را برآورده کند، و تا با برآورده کردن الزامات عدالت خدا، ما را مصالحه دهد - عبرانیان ۲: ۱۷.

ب. خون نفیس و تماماً مؤثر مسیح، همه مشکلات ما را حل می کند تا ما مدام در مشارکت با خدا بمانیم که دائماً از نجات زنده او مسرت بریم - اول یوحنا ۱: ۷-۹؛ ۲: ۱-۲:

۱. در برابر خدا، خون بازخرید-کننده خداوند، ما را یکبار تا ابد پاک کرده است (عبرانیان ۹: ۱۲، ۱۴)، و اثر آن پاک-شدن، نیاز به تکرار ندارد.

۲. لیکن، ما در وجدانمان بارها و بارها، هرگاه وجدان ما با نور الهی در مشارکتیمان با خدا روشن می شود، به کاربرد آبی پاک کردن مدام خون نفیس خداوند نیاز داریم.

۳. وقتی خدا ما را می بخشد، گناهان ما را از حافظه خود پاک کرده، و دیگر آنها را به یاد نمی آورد؛ آمرزش گناهان یعنی برداشتن اتهامات گناه بر ضد ما در برابر خدا تا ما بتوانیم از کیفر عدالت خدا رهایی یابیم - یوحنا ۵: ۲۴:

(آ) وقتی خدا گناهانمان را می بخشد، او باعث می شود که گناهان مرتکب شده، از ما دور شوند - مزامیر ۱۰۳: ۱۲؛ لاویان ۱۶: ۷-۱۰، ۱۵-۲۲.

(ب) بخشش گناهانمان توسط خدا، به خدا-ترسی ما و عشق ما به خدا در مشارکت بازسازی-شده ما با او منجر می شود - مزامیر ۱۳۰: ۴؛ لوقا ۷: ۴۷.

ب. خون نفیس مسیح، خدا را راضی می کند، دسترسی ایمانداران به خداست، و بر همه اتهامات دشمن غلبه می نماید؛ خون نفیس خداوند همچنین خون عهد جاودان است (متی ۲۶: ۲۸؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰)، که توسط خونی که کاهن اعظم در لاویان ۱۶ به وسیله آن وارد قدس الاقداس می شد، نشان داده شده است:

۱. خون عهد، ما را قادر می سازد که به قدس الاقداس عملی وارد شویم (عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰)، یعنی روحمان (افسیسیان ۲: ۲۲؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲)، تا از خدا مسرت برده و با او القاء شویم.

۲. بر طبق مکاشفه در عهد جدید، ما نه تنها توسط خون به حضور خدا آورده می شویم - ما همچنین به درون خود خدا آورده می شویم؛ آن خون بازخرید-کننده و پاک-کننده ما را به درون خدا می آورد!

۳. خون عهد، در اصل، برای خداست تا به جهت مسرت ما، نصیب ما شود - مزامیر ۲۷: ۴؛ ۷۳: ۱۶-۱۷، ۲۵؛ اول قرنیتان ۲: ۹؛ عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰.
۴. عاقبت، خون مسیح به عنوان خون عهد جدید (متی ۲۶: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۰) مردم خدا را به چیزهای بهتر عهد جدید می آورد، که در آن، خدا به مردمش قلب نو، روح نو، روح او، قانون درونی حیات (حاکمی از خود خدا با ذات، حیات، خواص و صفات خود) و توانایی حیات برای شناخت خدا (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ عبرانیان ۸: ۱۰-۱۲) را می دهد.
۵. در نهایت، خون عهد جدید، عهد جاودان (۱۳: ۲۰)، مردم خدا را قادر می سازد که او را خدمت کنند (۸: ۱۰-۱۲) و مردم خدا را به مسرت کامل از خدا به عنوان سهم [نصیب] آنها (درخت حیات و آب حیات)، هم حال و هم برای ابد، هدایت می کند (مکاشفه ۷: ۱۴، ۱۷؛ ۲۲: ۱-۲، ۱۴، ۱۷).
۳. «شریعت [قانون] خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت» - عبرانیان ۸: ۱۰؛ ارمیا ۳۱: ۳۳. آ.
- آ. مرکز، مرکزیت عهد جدید، قانون حیات در باطن است؛ قانون حیات الهی، قانون روح حیات (رومیان ۸: ۲)، همان اصل خودکار و قدرت خودبخود حیات الهی است.
- ب. خدای سه یکتا از طریق جسم پوشیدن، مصلوب شدن، رستخیز و صعود، پروسه دید تا تبدیل به قانون روح حیات شود که در روح ما به عنوان یک قانون «علمی»، یعنی یک اصل خودکار، نصب شده است - آ. ۲-۳، ۱۱، ۳۴، ۱۶.
- پ. رابطه خدا با ما امروزه کاملاً بر اساس قانون حیات است؛ هر حیاتی دارای یک قانون بوده و حتی خودش یک قانون است؛ حیات خدا بالاترین حیات، و قانون این حیات بالاترین قانون است - امثال ۳۰: ۱۹؛ اشعیا ۴۰: ۳۰-۳۱.
- ت. رومیان باب ۸، که عنوان آن، قانون روح حیات است، می تواند به عنوان قانون کل کتاب مقدس و مرکز عالم محسوب شود؛ پس اگر ما رومیان باب ۸ را تجربه می کنیم، در مرکز عالم هستیم:
۱. خدا اکنون به عنوان قانونی که به طور خودکار، خودبخود، و نا خود آگاه عمل می کند، در ماست تا ما را از قانون گناه و مرگ برهاند؛ این یکی از بزرگترین کشفیات و حتی بازیابی ها در اقتصاد خداست - ۷: ۱۸-۲۳؛ ۸: ۲.
  ۲. ما از توزیع حیات به درون وجودمان، برای به انجام رساندن اقتصاد خدا توسط کارکرد قانون روح حیات، مسرت می بریم - ارمیا ۳۱: ۳۳؛ عبرانیان ۸: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲-۳، ۱۰، ۶، ۱۱.
  ۳. مسرت قانون روح حیات در رومیان ۸، ما را به واقعیت بدن مسیح در رومیان ۱۲ می آورد؛ این قانون، همانطور که ما در بدن و برای بدن زندگی می کنیم، در درونمان عمل می کند - ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲، ۱۱؛ فیلیپیان ۱: ۱۹.
- ث. خدا با افاضه کردن حیات الهی خود به درون ما، بالاترین قانون (مفرد - ارمیا ۳۱: ۳۳) از این بالاترین حیات را در روحمان می نهد، که از آنجا به بخشهای درونی ما، مانند ذهن، احساس و اراده ما، گسترش پیدا می کند و به چند قانون تبدیل می شود (جمع - عبرانیان ۸: ۱۰):
۱. گسترش این قانون در ما، همان افاضه شدن است (رومیان ۸: ۱۰، ۶)، و افاضه شدن، حک نمودن می باشد (دوم قرنیتان ۳: ۳)؛ در حالی که خداوند گسترش یافته، افاضه و حک می کند، عنصر کهنه آدم را از ما کاسته و عنصر نوین مسیح را در ما می افزاید، که بدین وسیله، به طور سوخت و سازی، برای ما دگرگونی در حیات را به انجام می رساند - آ. ۱۸.
  ۲. با کارکرد و گسترش قانون حیات در درونمان، خدا ما را در حیات، ذات، و ابراز مثل خودش می کند؛ ما توسط کارکرد قانون حیات به صورت پسر نخست زاده خدا همشکل می شویم - رومیان ۸: ۲، ۲۹.
  - ج. ما همانگونه که در تماس با خداوند بوده و در تماس با او باقی می مانیم، قانون حیات، قانون روح حیات، به طور خودکار، خودبخود و بی دردسر کار می کند - فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳؛ رومیان ۸: ۲، ۴، ۶، ۱۳-۱۶، ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸:

۱. ما باید از تلاش و تقلای خود دست بکشیم - غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۷: ۱۵-۲۰:
  - (آ) اگر ما ندیده باشیم که گناه یک قانون است و اراده ما هرگز قادر به غلبه کردن بر این قانون نیست، در رومیان باب ۷ اسیر بوده، و هرگز به رومیان باب ۸ نخواهیم رسید.
  - (ب) پولس بارها و بارها اراده کرد، ولی تنها نتیجه، شکست مکرر بود، بهترین کاری که یک انسان می تواند بکند قصد-کردن است - ۷: ۱۸.
  - (پ) وقتی گناه در ما خفته است فقط گناه است، ولی وقتی توسط اراده انجام کار خوب در ما بیدار می شود، تبدیل به «بدی» می شود - آ. ۲۱.
  - (ت) بجای قصد کردن، ما باید ذهنمان را بر روح قرار داده و بر طبق روح گام برداریم - ۸: ۶، ۴؛ فیلیپیان ۲: ۱۳.
۲. ما باید با خدای ساکن، نصب-شده، و عمل-کننده به عنوان قانون روح حیات در درونمان توسط دعا و داشتن روحی متکی، فراخواندن نام خداوند و دعایی خوانی کلام او، همکاری کنیم، تا مشارکتمان با او را حفظ نماییم - رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸:
  - (آ) رمز تجربه کردن مسیح به عنوان قانون حیات این است که در او باشیم، همان کسی که ما را برای همه کار قوت می بخشد، و رمز بودن در او این است که در روحمان باشیم - فیلیپیان ۴: ۱۳، ۲۳.
  - (ب) ما برای زندگی کردن در روحمان باید به جهت نگرستن بر او زمان صرف کنیم تا در دعا با عیسی مشارکت کرده، غرق در نور چهره اش شویم، و اشباع شده با زیبایی اش، درخشنده نورش باشیم - دوم قرنتیان ۳: ۱۶، ۱۸؛ م.ش. متی ۱۴: ۲۳.
- چ. عملکرد قانون حیات مستلزم رشد در حیات است، زیرا قانون حیات تنها هنگام رشد کردن عمل می کند - مرقس ۴: ۳، ۱۴، ۲۶-۲۹:
  ۱. شفاعت مسیح بر تخت، بذر حیات را که او هنگام رستاخیز در درونمان کاشت، بر می انگیزاند - عبرانیان ۷: ۲۵؛ رومیان ۸: ۳۴.
  ۲. پسر نخست زاده برای ما شفاعت می کند تا حیاتی را که در روحمان کاشته بتواند به جهت رشد، گسترش و اشباع تمام اجزای درونی ما برانگیخته شود، تا اینکه او کاملاً با وجود جلال-یافته و والای خود در ما نفوذ کند.
  ۳. همان گونه که حیات الهی در ما در حال رشد است، قانون حیات عمل می کند که ما را شکل دهد و همشکل صورت مسیح به عنوان پسر خدا سازد تا ما بتوانیم ابراز جمعی او شویم؛ قانون حیات ما را تنظیم نمی کند که اشتباه نکنیم، بلکه شکل حیات را تنظیم می کند - آ. ۲، ۲۹:
    - (آ) آن پیش نمونه [الگوی نخستین] درونی، پسر نخست زاده خدا، به طور خودکار به عنوان قانون حیات در ما کار می کند تا ما را همشکل صورت او نماید، تا ما را «پسر-گونه» [مقام پسران خدا] کند؛ خداوند عاجزانه کار می کند تا تک تک ما را مثل پسر نخست زاده کند.
    - (ب) راه خدا برای تکثیر انبوه این پیش نمونه، این است که الگوی نخستین زنده خود، پسر نخست زاده، را به درون کل وجودمان بکار برد؛ اگر ما با این پیش نمونه شگفت انگیز هماهنگی کرده و به او باز باشیم، او از روح ما به طرف بیرون یعنی روان ما گسترش پیدا خواهد کرد.
    - (پ) پسر نخست زاده، یک پیش نمونه، همان نمونه شاخص، برای تکثیر انبوه پسران بسیار خداست، که برادران بسیار او به جهت ساختار بدن او به عنوان انسان نو برای تکثیر و ابراز آن نمونه شاخص، یعنی پسر نخست زاده خدا، هستند - آ. ۲۹.
۴. قانون حیات در وهله اول از جنبه منفی کار نمی کند که به ما بگوید چکار نکنیم؛ در عوض، در حالی که حیات رشد می کند، عملکرد قانون حیات از جنبه مثبت شکل دادن به ماست، یعنی اینکه ما را همشکل صورت مسیح می کند؛ از طریق عملکرد قانون حیات، ما همگی تبدیل به پسران بالغ خدا شده، و خدا ابراز عالمگیر و جمعی خود را خواهد داشت.

آ. اینکه خدا خدای ما باشد بدین معناست که او میراث ماست - افسسیان ۱: ۱۴:

۱. خدا انسان را به عنوان یک ظرف آفرید تا حاوی او باشد (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ رومیان ۹: ۲۳-۲۴)؛ بنابراین، خدا میراث انسان است، همان گونه که محتوای یک ظرف، دارایی آن ظرف است.

۲. خدا نه تنها میراث ماست بلکه برای مسرتمان، نصیب مقرر و پیاپی ما (مزامیر ۱۶: ۵) نیز هست؛ نجات یافتن، بازگشت به خداست و از نو مسرت بردن از او به عنوان دارایی ماست، همان طور که با بازگشت انسان به ملک خو در یوبیل نشان داده می شود (لاویان ۲۵: ۱۰؛ لوقا ۴: ۱۸-۱۹؛ لوقا ۱۵: ۱۷-۲۴؛ اعمال ۲۶: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۱۲).

۳. خدا آن روح را نه تنها به عنوان تضمین میراثمان بلکه همچنین به عنوان یک پیش مزه از آنچه از خدا به ارث خواهیم برد (دوم قرنتیان ۱: ۲۲)، به ما می دهد؛ بیعانه روح، کم کم خدا را بیشتر در ما می افزاید تا وقتی که ما وارد ابدیت شده و خدا را چون مسرت کامل خود داشته باشیم.

ب. برای ما این که قوم خدا باشیم بدین معناست که ما میراث او هستیم - افسسیان ۱: ۱۱، ۱۴، ۱۸؛ ۳: ۲۱:

۱. ما نه تنها خدا را به عنوان میراث خود برای مسرتمان به ارث می بریم (۱: ۱۴) بلکه همچنین برای مسرت خدا، میراث او می شویم (آ. ۱۱).

۲. با بکار رفتن خدا در درونمان، ما به صورت میراث خدا ترکیب می شویم؛ این دگرگونی است، و این همچنین تقدیس درونی می باشد.

۳. خدا روح قدوس خود را به عنوان مهر در درونمان نهاد (آ. ۱۳) تا ما را مشخص کند، که نشانگر این است که ما متعلق به خدا هستیم؛ این مهر، زنده است و درونمان کار می کند تا در ما نفوذ کرده، و با عنصر الهی خدا، تا هنگام بازخرید بدنمان، ما را دگرگون سازد.

۴. به طور کامل، میراث متقابل خدا و انسان تبدیل می شود به میراث خدا در مقدسین برای ابد (آ. ۱۸)؛ این ابراز جاودان او به حد اعلا، به طور جهانی و ابدی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱۱).

۵. «دیگر کسی به همسایه خود تعلیم نخواهد داد و یا کسی به برادر خود نخواهد گفت، "خداوند را بشناس!" زیرا همه از خرد و بزرگ، مرا خواهند شناخت» - عبرانیان ۸: ۱۱؛ ارمیا ۳۱: ۳۴آ:

آ. عملکرد حیات، ما را قادر خواهد ساخت که خدا را از راه درونی حیات بشناسیم؛ ما می توانیم خدا را به طور درونی، از حس حیات، بشناسیم؛ حس حیات همان حس، آگاهی، از حیات الهی درونمان است - رومیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹؛ فیلیپیان ۳: ۱۰آ:

۱. حس حیات از حیات الهی (افسسیان ۴: ۱۸)، قانون حیات (رومیان ۸: ۲؛ عبرانیان ۸: ۱۰، و مسح حیات می آید (اول یوحنا ۲: ۲۷).

۲. حس حیات از جنبه منفی، حس مرگ است، و از جنبه مثبت، حس حیات و آرامش می باشد - رومیان ۸: ۶؛ اشعیا ۲۶: ۳.

۳. ما باید بر طبق حس حیات، در اصل حیات زندگی کنیم، نه بر طبق اصل درست و غلط، اصل مرگ.

۴. این زندگی کردن مطابق اصل درخت حیات است، نه مطابق اصل درخت دانش خوب و بد - پیدایش ۲: ۹.

۵. حس حیات باعث می شود ما بدانیم که آیا در حیات طبیعی زندگی می کنیم یا در حیات الهی و آیا در جسم زندگی می کنیم یا در روح.

ب. «یک مسیحی برای خدمت خدا و یا کار کردن بهر او، باید بیاموزد که از درخت دانش خوب و بد دوری کند... فقط کسانی که درخت حیات را لمس می کنند شاهد باقی ماندن زندگی و کارشان در اورشلیم نو خواهند بود» (Messages Given during the Resumption of Watchman Nee's Ministry, vol. 1, pp.94-95).

۵. در نهایت، مسرت بردن ما از روح ساکن در درون به عنوان قانون حیات الهی - خودکار، قانون روح حیات، بدن مسیح است و برای بدن مسیح می باشد با این هدف که ما را تبدیل کند به خدا در حیات، ذات، و ابراز اما نه در هستی - خدا، برای به انجام رساندن هدف اقتصاد ابدی او - اورشلیم نو - رومیان ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲؛

۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ فیلیپیان ۱: ۱۹؛ غلاطیان ۴: ۲۶-۲۸، ۳۱.